

چهار و خم خواجه عمید

کنکاشی در تاریخ دیروز و وضعیت امروز محله "خواجه عمید"



۲ خاطرات اهالی قدیمی از محله خواجه عمید یا «پشت باغ شفتی»

گزارشی از فعالیت های پایگاه بسیج سیدالشهدا (ع)، مدرسه علمیه خواهران سیدالشهدا (ع)، کانون خدمت رضوی، پایگاه بسیج خواهران مسجد سیدالشهدا (ع)

کانون خواهران مسجد حضرت ولیعصر (عج) و کانون فرهنگی هنری شیفتگان حضرت امام خمینی (ره) ۳ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰

۴ سرتیپ دوم مجتبی شیروانیان از پسر شهیدش ابوالفضل، اولین شهید مدافع حرم اصفهان می گوید

۶ شهید محمود تاج الدین به روایت برادر

روایت محمد صیرفی نژاد، مدیر منطقه ۱۰ از آخرین اقدامات شهرداری در این منطقه و محله خواجه عمید و پاسخ های او به مطالبات و پرسش های ساکنان ۱۳ و ۱۴



زهره سادات کاتلمی

سرزمین سرسبزی و باغ‌های میوه

خاطره‌های اهالی قدیمی از محله خواجه عمید یا «پشت باغ شفتی»



پای این شماره «هم‌محله» به منطقه ۱۰ و محله خواجه عمید رسید، محله‌ای جوان که به مرور به بدنه شهری اصفهان ملحق شده است. وجه‌تسمیه‌ای رسمی برای نام‌گذاری این محله و خیابان خواجه عمید پیدا نشد و مردم محله هم چیز زیادی در این خصوص نمی‌دانستند؛ ولی خواجه عمید نام یک شاعر است. آنچه برای این شاعر آمده، این است که عمیدالدین لوبکی معروف به «خواجه عمید لوبکی» زاده ۶۰۱ هجری قمری در قصبه لوبک از توابع سنم هندوستان و یکی از شاعران پارسی‌گوی قرن هفتم است. حکیم خواجه عمید لوبکی در زمان سلطان نصیرالدین محمد بن بلبن معروف به خان و مشهور به قآن ملک و ناصرالدین محمود شاه از سلاطین دهلی می‌زیست. قصیده را به سبک شعرای آذربایجان می‌سرود و در شعر، عمید تخلص می‌کرد. حال اینکه چه اتفاقی افتاده است که این خیابان و محله نام خواجه عمید را به خود گرفته، چندان مشخص نیست. برای رفتن به گذشته محله باید به سراغ پیرمردها و قدیمی‌ترهای آن رفت. پارک شهید محلاتی پاتوق پیرمردهایی است که موهایشان را در این محله سفید کرده‌اند. آن‌ها از وسعت زمین‌های کشاورزی در این محله می‌گویند و اینکه این محله قبل از اینکه خواجه عمید و تالار شود، به نام دیگری شهرت داشته است.

محله «پشت باغ شفتی»

«پشت باغ شفتی»، قبل از آنکه خیابان‌ها شکل بگیرد، محله به این اسم شهرت داشت. باغی بزرگ و معروف در ابتدای خیابان جی و محله وجود داشته است به نام شفتی و زمین‌های پشت آن که همگی کشاورزی بوده، به این نام معروف بوده است. زمین‌های کشاورزی با آب زاینده‌رود، وقتی در مادی بزرگ تالار جریان داشته و مکینه‌ها، آبیاری می‌شده و زیر کشت بوده است.

یکی از ساکنان این محله، گذشته مادی تالار و زمان پرآبی‌اش را به خوبی به یاد دارد و می‌گوید: «یادم هست وقتی یازده‌ساله بودم مادی پر از آب بود و ماتی آن شنا می‌کردیم. آب زاینده‌رود توی مادی جاری بود و تا زمین‌های جی می‌رفت. مادی ماهی‌های بزرگی هم داشت؛ اما خیلی وقت است که مادی خشک شده و دیگر طراوت گذشته را ندارد.»

محله خواجه عمید و تالار حالا روزگار دیگری را سپری می‌کند. زمین‌های کشاورزی که جایش را به خانه‌های بزرگ ویلایی داده بود هم در حال تغییر بوده و نسل سومی در حال شکل‌گیری است. آپارتمان‌سازی اوج گرفته و تراکم در این محله بالا رفته است و حالا با توجه به اینکه عرض خیابان‌ها تغییر چندانی نداشته، این ترافیک و شلوغی است که مهمان این روزهای محله خواجه عمید است، ترافیکی که با ساخت مجموعه بزرگ مسکونی نیروی انتظامی درجایی که قبلاً کوره‌های آجرپزی قرار داشت، افزایش سرسام‌آوری خواهد داشت و گذشته محله را به تاریخ خواهد سپرد.

مختلفی داشتند؛ اما بیشترشان راننده و کامیون‌دار بودند. محله با حضور مهاجران کم‌کم شکل گرفت و بزرگ شد.» یکی دیگر از قدیمی‌های محله ادامه می‌دهد: «هنوز هم در قبوض برق محله اسم محله درج می‌شود "پشت باغ شفتی" و محله و منطقه به این نام شناخته می‌شود. در کنار کشاورزی و در انتهای محله خواجه عمید و در مجاورت اتوبان، کوره‌های آجرپزی بزرگ و معروفی وجود داشت. محک یکی از این کوره‌ها بود. کارگرهای زیادی داشت. خاک این محله رس است و مستعد برای آجرپزی. خانواده‌های مشهدی زیادی در این کوره‌ها کار می‌کردند و خشت می‌زدند.»

مادی تالار دیگر زنده نیست

خیابان تالار هم قدمتی مثل خواجه عمید دارد. محلی‌ها اطلاعی از اینکه چرا این اسم برای این خیابان انتخاب شده است، ندارند؛ اما به گفته قدیمی‌ترها از سال ۵۲ به بعد خیابان تالار احداث شد. مادی تالار که مرز محله بوده، یک مادی زیبا و قدیمی است که روزگاری میزبان رودخانه زاینده‌رود بوده.

یکی از ساکنان قدیمی محله که هرروز عصر در پارک، کنار دوستان خاطره‌های قدیمی‌اش را ورق می‌زند، می‌گوید: «زمین این پارک کشاورزی بود. مالک زمین‌های این محله شخصی به اسم کاشفی بود. رعیتی داشت به نام مش حسن که این زمین‌ها را اداره می‌کرد. مکینه بزرگی به نام دولول در این پارک بود که تا اول دهه ۶۰ پر آب بود. مکینه دو تا لوله بزرگ داشت و آب زیادی از آن بیرون می‌آمد. مردم برای شست‌وشوی موکت و لباس‌هایشان می‌آمدند کنار مکینه. شکل و شمایل محله این‌طور نبود و اصلاً خیابانی در این محله نبود، کم‌کم شکل گرفت و محله شد.»

خاستگاه کوره‌های آجرپزی

پیرمرد دیگری ادامه می‌دهد: «تا سال ۶۰ محله‌ای وجود نداشت. بعدها زمین‌ها تصاحب شد و تقسیم کردند و کم‌کم زمین‌های کشاورزی به مسکونی تبدیل شد. بیشتر مردم این محله از شهرهای اطراف مهاجرت کرده‌اند. مردم محله خواجه عمید و تالار از شرق اصفهان، کوهپایه و نائین هستند. آن‌ها شغل‌های





مریم نقیان

کانونی برای جهاد فرهنگی و مردمی

گزارشی از فعالیت‌های پایگاه بسیج سیدالشهدا(ع)



در میانه چالش‌ها و فرصت‌های عرصه فرهنگی و اجتماعی کشور، پایگاه‌های بسیج به عنوان سنگرهای پیشرو در عرصه تربیت نسل نوجوان و جوان انقلاب، نقشی حیاتی ایفا می‌کنند. این گزارش، نگاهی می‌اندازد به فعالیت‌های یکی از این کانون‌های فعال در اصفهان؛ پایگاه بسیج سیدالشهدا(ع) که در مجتمع مسکونی امام حسین(ع) واقع شده است. این پایگاه باتکیه بر برنامه‌ریزی مدون و استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی و مذهبی محل، می‌کوشد با اجرای برنامه‌های متنوع، نسلی متعهد و انقلابی را برای آینده نظام اسلامی تربیت کند.

پایگاه بسیج سیدالشهدا(ع) واقع در مجتمع مسکونی امام حسین(ع)، خیابان خواجه عمید اصفهان، به عنوان یکی از کانون‌های فعال و پیشرو در عرصه کار فرهنگی و جهادی، فعالیت‌های گسترده و مستمری را برای نوجوانان و جوانان محل برنامه‌ریزی و اجرا می‌کند.

مسجد؛ محور اصلی فعالیت‌ها

علی شیرانی، فرمانده این پایگاه که سابقه‌ای چندساله در فرماندهی دارد، درباره اهداف و مأموریت‌های پایگاه گفت: عمده فعالیت ما در حوزه فرهنگی و اجتماعی متمرکز است. با توجه به بافت مذهبی و متدین محل، تمرکز اصلی بر نوجوانان و جوانان است تا بتوانیم با برنامه‌ریزی دقیق، نسل آینده را برای خدمت به نظام و انقلاب تربیت کنیم.

او افزود: محور اصلی فعالیت‌های ما، مسجد است؛ زیرا مسجد در این محل به عنوان کانون اصلی فرهنگی و اجتماعی پذیرفته شده و استقبال خوبی از برنامه‌ها می‌شود.

برنامه‌های مستمر فرهنگی؛ از

هیئت‌های دانش‌آموزی تا اردوهای تربیتی شیرانی به تشریح برنامه‌های مستمر پایگاه پرداخت و اظهار کرد: یکی از اصلی‌ترین برنامه‌ها، تشکیل هیئت‌های دانش‌آموزی در رده‌های سنی مختلف است. هیئت نوجوانان (مقطع ابتدایی)، هیئت متوسطه اول و هیئت متوسطه دوم، هر کدام به صورت جداگانه و با برنامه‌های ویژه‌ای فعال هستند. برای هر گروه، یک روحانی جوان و مجرب در نظر گرفته‌ایم که توانایی ارتباط مؤثر با نوجوانان و جوانان را دارد. این روحانی علاوه بر برگزاری

جلسه‌های هفتگی آموزشی و تربیتی، در برنامه‌های اردویی نیز همراهی می‌کند. فرمانده پایگاه بسیج سیدالشهدا(ع) با اشاره به اهمیت اردوها بیان کرد: اردوها به دلیل ایجاد فضای صمیمی و مستمر، بیشترین تأثیر را در جذب و تربیت نوجوانان دارند؛ به عنوان مثال، اخیراً اردوی یک‌روزه‌ای در باغی در اطراف اصفهان برای گروه متوسطه اول برگزار کردیم که بسیار موفق بود.

شیرانی به برگزاری کلاس‌های متنوع آموزشی اشاره کرد و گفت: کلاس‌های قرآن، فوتبال، فوتسال و همچنین جلسه‌های مشاوره با خانواده‌ها به صورت مستمر برگزار می‌شود. خوشبختانه استقبال خانواده‌ها بسیار خوب است و همکاری مؤثری با پایگاه دارند.

او افزود: یکی از برنامه‌های ما، طرح «انتخاب شهید به عنوان الگو» برای نوجوانان است. در این طرح، هر نوجوان با کمک خانواده و روحانی پایگاه، یک شهید را انتخاب کرده و با مطالعه زندگی‌نامه و سیره او، سعی می‌کند خود را به روحیات و ویژگی‌های آن شهید نزدیک کند.

خدمات رسانی و کار جهادی

از خیریه تا امدادگری فرمانده پایگاه به فعالیت‌های خدماتی و جهادی نیز اشاره کرد: گروه جهادی شهید

سنگینی از ما دریافت می‌شود. شیرانی در پایان تأکید کرد: کار فرهنگی، برخلاف پروژه‌های عمرانی، نتیجه‌ای آنی و قابل‌نمایش ندارد. سرمایه‌گذاری روی نوجوانان و جوانان، نتیجه خود را در بلندمدت نشان می‌دهد. امیدواریم مسئولان با درک این موضوع، حمایت خود از پایگاه‌های فرهنگی را افزایش دهند.

فعالیت‌های پایگاه بسیج سیدالشهدا(ع) در اصفهان، نشان‌دهنده عزمی جهادی و تلاشی خستگی‌ناپذیر در عرصه کار فرهنگی و مردمی است. این پایگاه با محوریت مسجد و با اجرای برنامه‌هایی چون هیئت‌های دانش‌آموزی، اردوهای تربیتی، طرح «شهید الگو» و ارائه خدمات خیریه، گام‌های بلند و مؤثری در جهت جذب، تربیت و حفظ نسل نوجوان و جوان برداشته است؛ باین حال، اصلی‌ترین مانع پیشروی آن‌ها چالش‌های مالی و لجستیکی و کاهش حمایت‌های نهادی متولی است. به نظر می‌رسد تحقق اهداف بلندمدت فرهنگی و تربیتی این چنین پایگاه‌هایی که نتیجه آن در درازمدت آشکار خواهد شد، نیازمند عزمی راسخ‌تر و پشتیبانی عملی و مالی جدی‌تر از سوی مسئولان و نهادهای ذی‌ربط است. سرمایه‌گذاری روی چنین مراکزی، درحقیقت سرمایه‌گذاری برای آینده انقلاب و نظام اسلامی است.

ابوالفضل شیروانیان زیر نظر این پایگاه فعالیت می‌کند که البته در ماه‌های اخیر به دلیل برخی محدودیت‌ها، فعالیت آن کم‌رنگ‌تر شده است. این گروه قبلاً در روستاهای محروم اطراف سمیرم و فریدن خدمات‌رسانی می‌کرد.

او ادامه داد: در دوران کرونا، این گروه در زمینه گندزدایی و ضدعفونی اماکن عمومی و منازل فعالیت بسیار خوبی داشت؛ همچنین یک خیریه فعال در پایگاه داریم که بین حدود ۶۰ تا ۷۰ خانواده نیازمند محل، به صورت مستمر سبد کالا توزیع می‌کند.

چالش‌ها و دغدغه‌ها

نیاز به پشتیبانی مالی و لجستیکی

شیرانی مهم‌ترین چالش پایگاه را محدودیت منابع مالی و امکانات دانست و اظهار کرد: کار فرهنگی هزینه‌بر است. برگزاری یک جلسه ساده با نوجوانان، حداقل ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان هزینه در بر دارد؛ برای اردوها نیز با مشکل تأمین وسیله نقلیه و هزینه‌های مربوط روبه‌رو هستیم.

او افزود: متأسفانه نهادهای متولی مانند سپاه و شهرداری، در حال حاضر کمتر از گذشته پایگاه‌ها را پشتیبانی می‌کنند؛ حتی برای استفاده از یک دستگاه اتوبوس، هزینه‌های





منیره فراهانی

شهادت را در چهره اش می دیدم

سرتیپ دوم مجتبی شیروانیان از پسر شهیدش ابوالفضل، اولین شهید مدافع حرم اصفهان می گوید

اول حدود ۲۵ روز رفت سوریه. متأهل بود و یک پسر بچه سه و نیم ساله داشت. وقتی آمد مرخصی، به او پیشنهاد داده بودند که می تواند خانواده اش را هم با خودش ببرد. با من مشورت کرد. به او گفتم: در این شرایط صلاح نیست خانواده را ببری.

فقط آمده بود کارهایش را سامان دهد
در این فاصله فقط آمده بود سبک بال شود و کارهای عقب مانده را انجام دهد. وصیت نامه اش را نوشت و سفارش هایی را که داشت، انجام داد؛ مواردی را هم شخصا برای من نوشته بود که بعد از شهادتش انجام دهم.

شهادت را در چهره اش می دیدم
وقتی برای مرحله دوم فراخوان شد، لحظه رفتن شهادت را در چهره اش می دیدم. این چهره برایم آشنا بود. سال ها قبل، در جنگ تحمیلی هشت ساله از این دست چهره ها زیاد دیده بودم.

خانمش به او گفته بود: مهدی کوچک است، کمی بیشتر بمان و بعد برو. قبول نکرده و توصیه ها و صحبت هایی از شهیدش برایش گفته بود تا او را متقاعد کند.

می دانست که شهید می شود
قبل از رفتن گفته بود این بار که بروم، زود برمی گردم. می دانست که شهید می شود. برای همسر، پسرش، مادر، مادر بزرگ و خاله هایش بلیت گرفته بود؛ ده، یازده نفری می شدند. آن ها را راهی مشهد کرد. نمی خواست خودش برود. گفت: شاید فراخوان شوم و جا بمانم. با اصرار من راهی شد؛ ولی دو روز بیشتر نمانده بود. گفت: من فیضم را گرفتم. با اتوبوس برگشت تا برای رفتن آماده باشد.

حوری سوم و شهادتی که وعده داده شد
شب قبل از بازگشتش خوابی دیده بود. در خواب، دو نفر از دوستان شهیدش با سه حوری به سمتش آمده بودند. پرسیده بود: این ها کی هستند؟ گفته بودند: هریک از این حوریان متعلق به یکی از ماست. پرسیده بود: پس حوری سوم؟ گفته بودند: این برای توست. منتظرت هستیم که بیایی پیش ما. دست حوری را در دستش گذاشته بودند که از خواب پریده بود. صورتش خیس عرق شده و به همسرش گفته بود: هنوز گرمای دستش را در دستم حس می کنم.

می خواست بعد از نبودنش خانواده اش در آسایش باشند
حدود دو سالی بود در منزلشان ساکن شده بودند؛ ولی هنوز نتوانسته بود برای آسپزخانه کابینت تهیه کند. می گفت: الان شرایطش را ندارم. وقتی از مشهد برگشت، گفت: یک نفر بود سراغ داشتید برای



یک دوره تخصصی در آموزشگاهی تحت لیسانس یک شرکت آلمانی دید و در موضوع های مکانیک مهارت زیادی پیدا کرد. از جهت فنی مثل فردی بود که کارشناسی ارشد این رشته را دارد. یکی از یگان های مهندسی سپاه از ایشان دعوت به همکاری کرد. وارد سپاه شد و خیلی زود در آن مجموعه رشد کرد.

یک پسر سه و نیم ساله داشت
اواخر سال ۹۱ چند روزی به سوریه رفتم. وقتی برگشتم، هنوز از راه نرسیده، از حال و هوای آنجا پرسیدم. نگذاشت فردا برایش بگویم. چون همکار بود، می شد یک سری مسائل را برایش گفت. همان وقت پرسید: چطور می شود من هم بروم؟ آن زمان هنوز رفتن بچه ها علنی نشده بود. گفتم: اگر قسمت باشد، این اتفاق می افتد. همین طور هم شد و از او دعوت شد برای رفتن. خیلی خوشحال بود. مرحله

خیلی از دستگاه های از رده خارج را دوباره به چرخه کار بازگرداند
کارهایی را که انجام دادنش سخت بود و زمین مانده بود، داوطلبانه انجام می داد. آن زمان ماهی ۲۰۰ هزار تومان حقوق می گرفت. مجموعه های بیرون به ایشان حقوق دومیلیون تومان را پیشنهاد داده بودند؛ اما او این پیشنهاد را نپذیرفت.

نامش را ابوالفضل گذاشتیم به یاد مدافع حرم اهل بیت
قبل از تولدش در فکر انتخاب اسم بودم. به نام ابوالفضل فکر می کردم. می خواستم مانند حضرت ابوالفضل، مدافع حرم اهل بیت بوده و روحیه شجاعت و جوانمردی داشته باشد. وقتی از ساختمان اداری سپاه زاهدان بیرون آمدم، یکی از دوستان را دیدم، اسمش ابوالفضل بود. چشمم که به برجسب اسمش افتاد، برایم نشانه ای شد که نامش را حتما ابوالفضل بگذاریم.



او سرتیپ دوم پاسدار، مجتبی شیروانیان؛ پدر شهید مدافع حرم است و آقا ابوالفضل، پسرش، اولین شهید مدافع حرم شهر اصفهان.

سرتیپ دوم شیروانیان نیز از رزمندگان و دلاورمردان هشت سال دفاع مقدس بوده است و از سال ۶۰ تا پایان جنگ در مناطق عملیاتی سیستان و بلوچستان، جنوب و غرب جوانی اش را برای دفاع از دین و کشور پشت سر گذاشته. حالا او بازنشسته سپاه است و آخرین مسئولیتش مدیرکل بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس و مقاومت استان اصفهان بوده. شتونده خاطره های شهید ابوالفضل شیروانیان از زبان پدرش می شویم.

شب عید قربان به دنیا آمد
ابوالفضل در ۲۸ شهریور ۱۳۶۲ به دنیا آمد. آن زمان من در منطقه سیستان و بلوچستان خدمت می کردم. قسمت شد به سفر حج بروم. همسرم به خاطر شرایط بارداری نتوانست بیاید. وقتی برگشتم، فهمیدم ابوالفضل شب عید قربان به دنیا آمده است.

مکبر نمازخانه مجتمع محل زندگی مان شد
مدتی بعد از پذیرش قطعنامه، قرار شد از جنوب به دانشکده فرماندهی سپاه در اصفهان بیایم. این شد که با خانواده به اصفهان آمدم. مجتمع محل زندگی مان نمازخانه داشت. ابوالفضل مکبر آنجا شد. بعد از مدتی بچه های هم سن و سالش هم برای این کار داوطلب شدند. مدیریت و برنامه ریزی اینکه چه کسی و برای چه نمازی مکبر باشد، برعهده ابوالفضل بود. او از چگکی در فضای فرهنگی مسجد بزرگ و تربیت شد. دبستانش را در مدرسه آیت الله خامنه ای خواند و راهنمایی را در خیابان حافظ ادامه داد. هوش زیادی داشت. رشته ریاضی فیزیک را آورد؛ ولی به خاطر علاقه به کارهای فنی، در هنرستان و رشته اتومکانیک درسش را ادامه داد.

در یکی از یگان های مهندسی سپاه مشغول به کار شد

ساخت کابینت... هنوز حرفش تمام نشده بود که فهمیدم چه چیزی می‌خواهد بگوید. طی یک هفته و قبل از بازگشت همسرش کابینت‌ها آماده شد؛ خانه را هم خودش تمیز کرد. می‌خواست بعد از نبودنش تا جایی که می‌شود، خانواده‌اش در آسایش نسبی باشند.

در نگاه آخر، فقط به یاد وداع علی اکبر افتادم

رفتم دنبالش تا برسانش ترمینال. دیر آمد پایین. صورتش خیس عرق بود. ایستاده بود تا لوله آب زیر ظرف شویی را درست کند. رسیدیم ترمینال کاوه. نم بارانی می‌آمد. هرچه می‌آمدیم پیاده شویم برای بدرقه‌اش، مانع می‌شد. پسرش روی زانوی مادرش خوابش برده بود. گفت: شما پیاده نشوید. من هم هرچه آمدم پیاده شوم جلوی در ایستاده بود و می‌گفت: نمی‌خواهد؛ سرما می‌خورید. می‌خواست سوار اتوبوس شود، پیاده شدم و به طرفش رفتم. برگشت به سمت و نگاهمان در هم گره خورد. آن لحظه فقط به یاد واقعه عاشورا و وداع علی اکبر و امام حسین (ع) افتادم. فهمیدم که ابوالفضل قرار است

این بار به خواسته‌اش برسد. وقتی نبود، همیشه موقع رفتن به خانه‌شان در این فکر بودم که روزی باید این مسیر را برای دادن خبر شهادتش طی کنم.

ما را همین روزها می‌آورند

۱۴ روز از رفتنش می‌گذشت. روز قبل از شهادتش، روز جمعه، آخرین صحبت‌ها را با ما کرد. به همسرش گفت: ما را همین روزها می‌آورند. به من هم گفت: ما آن لحظه متوجه صحبتش نشدیم. خودش می‌دانست که شهادتش نزدیک است.

تا کسی خودش از خدا نخواهد شهادت نصیبش نمی‌شود

ابوالفضل مسئول محور مهندسی بود. در راه بازگشت از منطقه، به همراهش می‌گویی: نماز را بخوانیم و برویم. نزدیک مقر بودند؛ ولی می‌گویی: نماز اول وقت را به تأخیر نیندازیم. نماز که تمام می‌شود، تعقیبات و ذکرهایش را می‌گوید. کمی طول می‌کشد. هم‌رزمش برمی‌گردد و نگاهش می‌کند تا ببیند نمازش تمام شده است یا نه.

ابوالفضل بی‌مقدمه به او می‌گوید: تا کسی خودش از خدا نخواهد، شهادت نصیبش نمی‌شود.

پیاده در حال بازگشت به مقر بودند که تیراندازی می‌شود. سینه‌خیز می‌خوابند روی زمین. کمی از شدت تیراندازی کم می‌شود. هم‌رزمش می‌گوید: چه خوب شد که سریع خوابیدیم روی زمین؛ ولی جویی از ابوالفضل نمی‌آید. ابوالفضل به حالت سجده روی زمین افتاده بوده و جراحی نداشته است. وقتی او را بلند می‌کنند، خون از زیر کلاه پشمی‌اش جاری می‌شود. تک‌تیرانداز سرش را نشانه رفته بود. تا قبل از شهادت، هم‌رزمش چند بار دیده بود که ابوالفضل دستش را به نشانه ادب برای کسی بر سینه می‌گذارد و ادای احترام می‌کند. سال ۹۲ به شهادت رسید.

ارادت خاصی به حضرت زینب (س) داشت

علاقه و ارادت خاصی به حضرت زهرا (س) و حضرت زینب (س) داشت. در مراسم عزاداری هیئت فدائیان اسلام شرکت می‌کرد. از من فاصله می‌گرفت تا در دید

من نباشد و راحت‌تر عزاداری کند. رفته بود غذای هیئت را بیاورد. خودش دست‌تنها، همه دیگ‌ها را بالا گذاشته بود. در راه برگشت ماشینش خراب شده بود. با او تماس گرفتیم؛ ولی اصلاً نگفت ماشینش خراب شده است.

باغ لیمو و پیروزی رزمندگان

در آخر از آقای شیروانیان می‌خواهم به یکی از خاطره‌های سال‌های حضورش در جبهه اشاره کند. می‌گوید: «برای عملیات فتح‌المبین از سیستان و بلوچستان با قطار عازم جبهه شدیم. شب سروصدایی از کوپه کناری آمد. علت را پرسیدیم. یکی از رزمندگان خواب دیده بود که همه بچه‌ها پشت در بزرگی ایستاده‌اند تا داخل شوند. در باز شده بود و همه رفته بودند توی باغ میوه‌ای و بعد در نبرد با دشمن پیروز شده بودند. خوابش تعبیر شد. عراقی‌ها فکر نمی‌کردند بتوانیم بیرونشان کنیم. برای خودشان با گل، میز و نیمکت هم درست کرده بودند. چند روز بعد در عملیات فتح‌المبین، پیروز شدیم و منطقه آزاد شد. در راه رزمندگان از یک باغ لیموی تلخ گذشته بودند.

فرزندان ماد چار تلاطم فکری شده‌اند

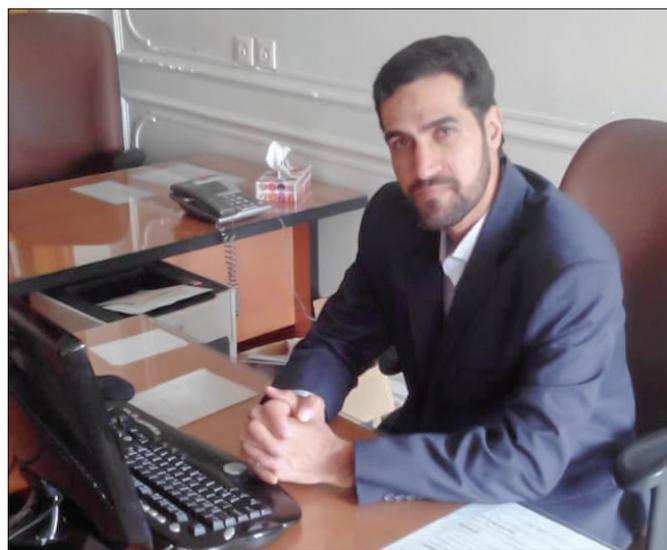
گفت‌وگو با یزدان رضوانی؛ مدرس، مشاور و مؤلف در زمینه معارف اسلامی

یزدان رضوانی؛ مدرس، مشاور و مؤلف در زمینه معارف اسلامی، متولد ۱۳۵۹ در محله خواجه‌عمید است. او دارای مدرک دکتری رشته معارف اسلامی و همچنین تحصیل کرده حوزه در رشته تخصصی تفسیر است. این استاد جوان، هم‌زمان در دانشگاه و حوزه تدریس کرده و دارای تالیف‌های متعدد در زمینه معارف اسلامی و تربیت جوانان نیز است.

والدین به نرمی مسائل دینی فرزندانشان را رسیدگی کنند

رضوانی در گفت‌وگو با «اصفهان زیبا» گفت: من در محله خواجه‌عمید بزرگ شدم و به یاری خداوند در رشته موردعلاقه‌ام معارف اسلامی تاحدامکان تحصیل کردم و همیشه سعی من بر آن بود تا بتوانم گامی هرچند کوچک در راستای افزایش آگاهی نوجوانان و جوانان بردارم.

این مشاور دینی که در مراکز مختلف مشاوره در سطح شهر اصفهان مشغول خدمت‌رسانی به خانواده‌ها و نوجوانان است، اذعان کرد: در جامعه امروزی شبهه‌های زیادی در خصوص دین و احکام دینی برای جوانان پیش‌آمده است که متأسفانه خانواده‌ها به علت تعصب زیادی که بر مسائل دینی دارند، نمی‌توانند به نرمی و درستی با فرزندانشان رفتار کنند و همین امر باعث دین‌گریزی بیشتر در بین جوانان شده است که بنده سعی می‌کنم با آگاه‌سازی اول، والدین و سپس، نوجوانان و جوانان مسیر را برای خداشناسی و انجام امور دینی هموار کنم و تا جایی که بتوانم شبهه‌های فرزندان را برطرف کنم.



مسئله نماز و حجاب برای برخی جوانان قابل‌هضم نیست

او با بیان اینکه این روزها مسئله نماز و حجاب برای برخی جوانان قابل‌هضم نیست، ادامه داد: متأسفانه بر اثر ورود فرهنگ غرب و برخی تفکرهای جدید، فرزندان ما با پرسش‌های زیادی در ذهنشان درگیر هستند و والدین هم نمی‌توانند آن‌ها را مجاب و قانع کنند؛ بنابراین این چالش بین فرزندان و والدین روزبه‌روز پیچیده‌تر شده و رابطه مقدس پدر مادر فرزندی را دچار خدشه کرده است که ما سعی می‌کنیم با حفظ صمیمیت در خانواده که مهم‌ترین رکن است، به تدریج به رفع ابهام ذهنی جوانان بپردازیم. این مدرس حوزه و دانشگاه، با تأکید بر اینکه حتی پیامبر اکرم (ص) هم به اجبار کسی را وادار

به دین‌داری نمی‌کردند، توضیح داد: دین و احکام دینی باید آن‌چنان شیرین و جذاب برای نوجوانان و جوانان تعریف شود تا خودشان به‌طور خودکار در پی انجام فرایض دینی و حفظ شئون اسلامی باشند. زور و اجبار تنها مسیر والدگری را دشوار می‌کند و باعث ایجاد خلأ عاطفی بین والدین و فرزندان می‌شود.

کتاب «از من تا او»

برای رفع شبهه‌های دینی جوانان

رضوانی که حدود ۲۰ سال تجربه تدریس و مشاوره دارد، عنوان کرد: فرزندان ما دچار تلاطم فکری شده‌اند و ما سعی می‌کنیم مسائل فکری، رفتاری، عبادی و اعتقادی ایشان را تاحدامکان و به نرمی با گفتار شیرین و جذاب، آن‌چنان‌که توصیه پیشوایان دینی ما بوده است،

رفع کنیم. مهم‌ترین تکلیف ما والدین درست رفتار کردن است. او که تألیف‌های متعددی در خصوص مسائل دینی دارد، اظهار کرد: طی سال‌های متعددی در مدارس، صندوق‌های پرسش و پاسخ نصب کردیم که دانش‌آموزان پرسش‌های زیادی در خصوص مسائل دینی و امور جنسی خود مطرح کردند و من از بین اکثریت پرسش‌ها شروع به پاسخ‌دهی در کتاب‌های تألیفی، با عنوان «از من تا او» کردم که در خصوص رفع شبهه‌های دینی بوده و کتاب «به نام خدا» در خصوص پاسخ به پرسش‌های دانش‌آموزان در خصوص امور خداشناسی است.

مردمان محله خواجه‌عمید با فرهنگ هستند

این مشاور معارف اسلامی افزود: کتاب دیگر من با عنوان «مزرعه آفتاب‌گردان» در باب تربیت دینی نوجوان و همچنین کتابی با عنوان «بچه‌های سرمایه‌دار» در خصوص تربیت اعتقادی کودک و نوجوان، با استقبال نوجوانان مواجه شد و امیدوارم بتواند گره‌گشای ذهنی ایشان باشد.

یزدانی در خصوص محله خواجه‌عمید گفت: خوشبختانه این محله دارای همه امکانات فرهنگی و تفریحی است و مردمان با فرهنگ دارند که همواره به دنبال پیشرفت دینی، علمی و فرهنگی هستند.

او اذعان کرد: تنها کمبودی که به چشم می‌خورد، وجود یک پاتوق برای دختران و مادران است تا بتوانند به‌طور تخصصی مسائل بانوان را در آن پیگیری کنند.



موناژ احمدی



میره فهامی

زیر لب قرآن خواند و آسمانی شد

شهید محمود تاج‌الدین به روایت برادر

است. عسگری فرقی از اخوی در عملیات بیت‌المقدس شهید شد.

من استقلالی بودم و محمود پرسپولیسی

اختلاف سنی ما کم بود و به‌رغم دوستی و محبت زیادی که به هم داشتیم، دعوای کودکیانه هم می‌کردیم. هر دو فوتبالی بودیم؛ من طرف‌دار تیم تاج (استقلال فعلی) بودم و محمود پرسپولیسی. همیشه سر این دو تیم به هم بحث می‌کردیم. یک‌بار این قدر بحثمان بالا گرفت که پدرم هر دومان را از خانه بیرون کرد و گفت: بروید بیرون دعوا کنید.

لحظه شهادت قرآن خواند

کلاس قرائت قرآن شرکت می‌کرد و صوت خیلی خوبی داشت. انس زیادی به قرآن داشت. زمان شهادت محمود، فرمانده‌شان، شهید اصغر صفایی، بالای سرش بود. می‌گفت: وقتی خودم را به او رساندم و سرش را روی پایم گذاشتم، دیدم زیر لب چیزی زمزمه می‌کند. گوشم را که نزدیک بردم، داشت قرآن می‌خواند.

پیکرش را در جوی خشکی می‌گذارد و کوله‌پشتی‌اش را برای نشان، بالای جوی تا موقع برگشت بتوانند پیداایش کنند و بَرش گردانند.

وقتی کاری را برای خدا می‌کرد نمی‌گذاشت کسی بفهمد

قبل از شهادتش، سه بار مجروح شد. مرحله اول در عملیات بیت‌المقدس، جاده اهواز خرمشهر؛ بار دوم در فتح خرمشهر؛ در عملیات رمضان هم مجروح شد. هر بار مدتی برای درمان می‌آمد و دوباره برمی‌گشت جبهه. شوهرخواهرم، شهید محمدحسین قصری، کارمند ذوب‌آهن بود. تخصصش جوشکاری حرفه‌ای بود و جزو نیروهای پشتیبانی. بر اثر اصابت ترکش به گردن شهید شد. محمود وقتی فهمید ایشان شهید شده، آمد اصفهان.

مدتی نتوانسته بود حمام کند. از من خواست کمکش کنم. دیدم به اندازه یک کف‌دست گوشت داخل رانش خالی شده است؛ ترکش خورده بود. برای درمان به یکی از شهرهای شمال رفته و هنوز کامل خوب نشده، برگشته بود اصفهان. مجروحیتش را از همه پنهان می‌کرد. کار همیشگی‌اش بود. وقتی کاری را برای خدا می‌کرد، نمی‌گذاشت کسی بفهمد.

به همسرم گفته بود

نگذار من را به اصفهان بفرستند

مرحله دوم عملیات بیت‌المقدس، همسر که از طرف هلال‌احمر به منطقه اعزام شده بود، محمود را زخمی در بیمارستان دیده بود. محمود به ایشان گفته بود که از دکتر بخواهد او را به اصفهان نفرستند. می‌خواست دوباره به منطقه برگردد. زخمی بود؛ ولی مشتاق برگشت به منطقه.



بود ۲۴ ساعت در یک مغازه خیاطی قایم شود تا مأمورها بروند.

اهل ورزش و فوتبال هم بود؛ ولی به درس خیلی اهمیت می‌داد.

با فرغون رنگ و وسیله می‌بردند و روی دیوارها شعاری می‌نوشتند

محمود خیلی شجاع و جسور بود. بعضی وقت‌ها مادرم از او می‌خواست برای تظاهرات نرود؛ ولی او زیر بار نمی‌رفت. هر وقت می‌خواستیم سراغش را بگیریم، می‌گفتند منزل آیت‌الله خادمی است. همیشه آنجا فعالیت می‌کرد. دوستی داشت به نام محمد عسگری فر، بچه سیچون بود و خطاط. هم‌کلاسی بودند. با فرغون رنگ و وسیله می‌بردند و روی دیوارها شعاری می‌نوشتند. هنوز روی چند دیوار قدیمی محل شعارهایشان به یادگار مانده

رتبه دوم رشته شیمی استان شد

در کنکور قبول شد و رتبه دوم رشته شیمی در استان؛ ولی به خاطر انقلاب فرهنگی دانشگاه‌ها تعطیل شدند و او وارد مسائل انقلاب شد. یکی از انقلابی‌های محل بود و چندین بار مورد تعقیب قرار گرفت. با دوستانش قرار می‌گذاشتند و هر جا تظاهرات بود، شرکت می‌کردند. یک‌بار ناجی (نظامی و سرکوب‌کننده انقلابیون) توی محل دنبالش گذاشته بود. چند نفری از انقلابیون به ناجی حمله کرده بودند و دنبالشان می‌گشت. محمود توانسته بود از دستش فرار کند؛ اما یکی از دوستانش مجبور شده

در روزگاری که آسمان این سرزمین هر صبح با صدای آژیر و هر شب با صدای انفجار بیدار می‌شد، جوانانی بودند که در دل آتش، بوی بهار را می‌جستند؛ نه از جنس افسانه که از گوشت و خون، از کوچه‌های همین شهر، با دلهایی پر از ایمان و نگاهی دوخته به افق‌های دور.

یکی از آنان، شهید محمود تاج‌الدین بود؛ پسری از نسل آفتاب که در هیاهوی انقلاب بزرگ شد، در کوچه‌های خاکی شعار نوشت، در محراب شب با خدای خویش نجوا کرد و سرانجام در میدان نبرد، شهادت را به آغوش کشید. این روایت، قصه مردی است که دنیا را کوچک دید، دل به بی‌نهایت سپرد و در ۲۰ سالگی راه آسمان را یافت؛ به نقل از برادری که سایه‌به‌سایه با او زیسته و خود نیز روزهای جوانی‌اش را برای تأمین خون و امداد به مجروحان، در کنار رزمندگان گذرانده و امروز خاطره‌هایش را چون گنجی در دل نگه داشته است.

علی تاج‌الدین در کنار دو برادر خود غلام و محمود ماه‌ها در جبهه حضور داشته است. همسر ایشان خانم مریم تاج‌الدین نیز از این معرکه دور نبوده و پایه‌پای دیگر امدادگران، پرستار روزهای جنگ بوده و ۲۶ ماه از عمر جوانی‌اش را با آنان زندگی کرده است. پای صحبت‌های آقای علی تاج‌الدین می‌نشینیم و با تمام وجود شنونده خاطره‌هایش می‌شویم.

مادرم می‌گفت نماز شب محمود ترک نمی‌شد

متولد ۱۳۳۹ هستم. رشته تحصیلی‌ام علوم آزمایشگاهی بود و در این سال‌ها تکنیسین آزمایشگاه بیمارستان صدوقی و مدیر پشتیبانی بیمارستان امیرالمؤمنین بنیاد جانبازان، بوده‌ام و حالا بازنشسته هستم. محمود متولد ۱۳۴۱ بود و دو سال از من کوچک‌تر. ما شش دختر بودیم و سه پسر. محمود فرزند ششم خانواده بود و بچه خیلی باهوش و درس‌خوان. احترام زیادی به پدر و مادر می‌گذاشت و خیلی به نماز اول وقت اهمیت می‌داد. همیشه در مسجد بود و کارهای فرهنگی انجام می‌داد؛ مسئول کتابخانه مسجد هم شده بود. یکی از خصوصیات بارزش نماز شب خواندنش بود. با اینکه سنش از ما کمتر بود، مادرم تعریف می‌کرد که شب‌ها نماز شبش ترک نمی‌شد.

هم‌رشته بودیم و در یک مدرسه

درس می‌خواندیم

در دبستان شیخ‌بهبایی خیابان شریف‌واقفی درس خواند و راهنمایی را در مدرسه حاتم‌بیک گذراند. رشته شیمی هنرستان رازی قبول شد. هم‌رشته بودیم و من هم در همان مدرسه درس می‌خواندم. بعد از گرفتن دیپلم در امتحان کنکور شرکت کرد. خیلی درس‌خوان بود و جزو شاگرد اول‌ها. می‌خندد و می‌گوید: برعکس من که کمی بازیگوش بودم، او خیلی درس‌خوان بود.



پیشنهاد داد عضویت در سپاه را دنبال کنیم

بعد از سرپازی، هم درگزینش سپاه قبول شدم و هم بنیاد مستضعفان. وقتی با محمود مشورت کردم، گفت: برادر بیا سپاه. زمان جنگ ۹ ماه مدیر داخلی بیمارستان شهید بقایی اهواز بودم و چند ماهی هم در آزمایشگاه. حدود ۲۴ ماه در منطقه حضور داشتم. به علت موقعیت کاری، توفیق مجروحیت و شهادت را پیدا نکردم.

هنوز موهای صورتش درنیامده بود ولی خیلی مرد شده بود

صحنه‌های زیادی از شهادت رزمندگان دیدم و خاطره‌های فراوانی از آن روزها در ذهنم مانده است. دشمن پادگان حبیب‌اللهی اهواز را زده بود. مجروح‌ها را آوردند بیمارستان شهید بقایی. یکی از مجروحان یک نوجوان ده، هفده‌ساله بود. هنوز موهای صورتش درنیامده بود؛ ولی خیلی مرد شده بود. باوجود قطع شدن هر دو دستش که فقط به یک گوشت بند بود، به جای دادو فریاد، فقط به یاد علم‌دار کربلا می‌گفت: یا ابوالفضل. او محکم و استوار می‌گفت: یا ابوالفضل و بقیه اشک می‌ریختند.

رسید. تیر مستقیم دشمن به شانه‌اش خورده و از طرف دیگر بیرون آمده بود. ۱۸ آن بود و محمود تازه وارد ۴۰ سالگی شده بود. او با شهدای ۲۵ آن تشییع و به خاک سپرده شد.

نوشته بود مواظب باش کارت برای خدا باشد و ریانشود

من هم مثل محمود همیشه در مسجد محل فعال بودم؛ آن قدر که همسر به شوخی می‌گفت: شب‌ها هم همان‌جا بمان. برادرم در وصیت‌نامه‌اش نوشته بود: مواظب باش کارت برای خدا باشد و ریانشود. خیلی به حجاب در وصیت‌نامه‌اش تأکید کرده بود.

یکی از دوستانش برای مراسم چهلم آمده بود سر مزارش. می‌گفت: من تا الان نمی‌دانستم که آقا محمود در سپاه است. محمود همیشه به جای لباس سبز، لباس خاکی می‌پوشید؛ حتی از طرف حاج حسین خرازی هم یک‌بار تذکر گرفته بود؛ ولی می‌گفت: اگر لباس سبز بپوشم، ممکن است وقتی در جمع بسیجیان هستم، آن‌ها حساب دیگری رویم بکنند و من را غرور بگیرد. در وصیت‌نامه‌اش هم نوشته بود: من یک بسیجی‌ام.

ازدواج می‌کنم. هیچ‌وقت زیر بار ازدواج نرفتم. در مراسم چهلم دامادمان، به او گفتم: الان وقت این است که مراقب چهار بچه قدونیم‌قد خواهرمان باشیم. گفت: این‌ها همه‌اش بهانه است. ما سه تا برادریم؛ باید همیشه یکی از ما در جبهه باشد. محمود همیشه در جبهه بود.

غلام در عملیات خیبر مجروح شد

برادرم آقا غلام هم در جبهه حضور داشت. ۱۷ سالش بود که ازدواج کرد. در مخایرات سپاه مشغول به کار بود. کردستان، جنوب، هرچا مأموریتی بود، می‌رفت. در چند عملیات هم شرکت کرد. بی‌سیمچی یکی از فرمانده گردان‌ها بود که در عملیات خیبر مجروح شد و موج انفجار او را گرفت. مدتی تحت درمان بود و به خاطر مشکل اعصاب و روان دیگر نتوانست به جبهه برود. حالا بهتر شده، ولی هنوز سردردهای شدیدی می‌گیرد و این یادگار جنگ هنوز برایش مانده است.

محمود در عملیات محرم

سال ۶۱ شهید شد

۴۰ روز بعد از عملیات رمضان و در مرحله سوم عملیات محرم، با سمت فرمانده گروهانی در تپه‌های ۱۵۷، منطقه عین‌خوش به شهادت

با همان چفیه در عملیات محرم شهید شد

همسر یک چفیه دورگردنش انداخته بود. محمود آن را به یادگار از ایشان گرفته و با همان چفیه در عملیات محرم شهید شده بود. آن زمان، من در بیمارستان صدوقی بودم و رشته کاری‌ام آزمایشگاه بود. دو هفته قبل از عملیات اعزام می‌شدیم منطقه. در اورژانس‌ها وظیفه تأمین خون، آماده‌سازی و تزریق را برعهده داشتیم.

از فرمانده‌شان به اصرار مجوز گرفت که به جبهه برود

محمود رزمی بود. هیچ‌وقت از کار اداری خوشش نمی‌آمد. بعد از اینکه عضو سپاه شد، دوره‌های متعدد نظامی را طی کرد. مسئولیتش طرح و برنامه بود؛ ولی از آنجا که فرد پشت‌میزنشینی نبود، از فرمانده‌شان به اصرار مجوز گرفت که به جبهه برود. اهل رزم بود و نبرد. رفت و در لشکر امام حسین (ع) مشغول شد.

هیچ‌وقت زیر بار ازدواج نرفت

وقتی من با دخترعموم ازدواج کردم، مادرم به محمود گفت: بعد از برادرت نوبت توست. خندید و گفت: بگذار ما کربلا را بگیریم؛ بعد می‌رویم فلسطین، آنجا با یک دختر لبنانی

نورانیت ذهن‌ها و جان‌ها در حوزه

گفت‌وگو با مریم پایش، مدیر مدرسه علمیه خواهران سیدالشهدا



همین برنامه‌ها، استعدادهای آنان کشف می‌شود. این فرصت‌ها باعث می‌شود هر طلبه بتواند توانایی‌ها و علاقه‌های خود را شناسایی کند. منابع مالی حوزه عمدتاً از مرکز مدیریت، مؤسس، هیئت‌امانی مدرسه و خیرین تأمین می‌شود. پایش با اطمینان می‌گوید: «جالب است که حوزه هیچ‌گاه به دنبال جذب خیرین نمی‌رود. خیرین با مشاهده فعالیت‌های حوزه، داوطلبانه برای مشارکت مالی پیش‌قدم می‌شوند.» یکی از خاطره‌های شیرین و ماندگار این مدیر مدرسه علمیه، اجرای «طرح بشری» است، طرحی مطالعاتی در زمینه تفسیر قرآن که طیف وسیعی از مردم، حتی کسانی که سال‌ها از فضای علمی دور بودند، از آن بهره‌مند می‌شوند. او با افتخار می‌گوید: «در عرض پنج سال، این افراد ۲۷ جلد تفسیر نمونه را مطالعه و مباحثه کرده و در آزمون‌های ماهیانه شرکت می‌کنند. مشاهده این پیشرفت‌ها واقعا باعث خوشحالی و سرافرازی ما شده است. این طرح ۱۵ سال است که در دست اجرا بوده.»

پایش در پایان تأکید می‌کند: «کتاب آسمانی ما از نخستین آیاتش بر تعلیم و تربیت تأکید دارد: "اقرأ و ربك الاكرم الذی علم بالقلم". اکنون این نور در قالب علوم دینی در دسترس همه قرار دارد. امیدواریم طلاب و علاقه‌مندان از آن بهره ببرند، جان و فکر خود را نورانی کنند و با هدایت رب‌النور العظیم و ظهور منجی عالم بشریت، حضرت مهدی ارواحنا له الفداء، سهم خود را در گسترش علم و ایمان ایفا کنند.» حوزه علمیه خواهران سیدالشهدا، با تلاش مستمر استادان، کادر و طلاب همچنان می‌کوشد پلی میان علم و جامعه بسازد و نور آموزه‌های دینی را به قلب و ذهن همه کسانی که به دنبال رشد علمی و بصیرت هستند، برساند.

حوزه علمیه خواهران سیدالشهدای محله خواجه‌عمید، یک مرکز علمی فرهنگی است که نه تنها به ارتقای علمی طلاب خواهر می‌پردازد، بلکه ارتباطی عمیق و مستمر با جامعه و محله برقرار کرده است. مدرسه علمیه خواهران سیدالشهدا واقع در مجتمع مسکونی امام حسین (ع) از سال ۸۲ تاکنون فعالیت داشته است و از سال ۹۲ تاحال حاضر به صورت مصوب و تحت اشراف مرکز مدیریت قم در قامت یک دانشکده و در حد کارشناسی طلاب را رشد و پرورش می‌دهد. شایان ذکر است؛ افرادی که از حوزه علمیه فارغ‌التحصیل می‌شوند، مدرک رسمی زیر نظر وزارت علوم دریافت می‌کنند و امکان ادامه تحصیلات تکمیلی در حوزه و دانشگاه برای آن‌ها مهیاست. مریم پایش، مدیر مدرسه علمیه خواهران سیدالشهدا، در گفت‌وگو با «هم‌محله» با شور و شوق می‌گوید: «اولویت اصلی ما ارتقای علمی و پیشرفت طلاب است؛ اما هم‌زمان تلاش داریم ارتباط قوی و مؤثر با مردم برقرار کنیم تا رسالت حوزه در آموختن و بصیرت‌افزایی محقق شود.»

هدف این است که افراد بتوانند

نور علم را به زندگی خود بیاورند

این مدرسه با طرح‌ها و برنامه‌های گسترده، پل‌های محکمی میان دانش و عمل، حوزه و زندگی روزمره مردم ساخته است. پایش توضیح می‌دهد: «در اجرای هر برنامه هدف این است که افراد بتوانند نور علم را به زندگی خود بیاورند و در مسیر رشد معنوی و فکری حرکت کنند. ساختار حوزه بر پایه چهار معاونت اصلی آموزش، فرهنگی، پژوهش و مالی اداری است.» مدیر مدرسه علمیه خواهران سیدالشهدا می‌گوید: «حوزه علمیه

به صورت شورایی اداره نمی‌شود. هرچند برای اداره بهینه آن جلسه‌های مشورتی با کادر و استادان برگزار می‌شود، هر مدرسه یک مدیر مستقل دارد و همین استقلال باعث شده است مدارس بتوانند از تجربه‌های موفق دیگر حوزه‌ها بهره‌مند شوند و از طریق فضای مجازی با یکدیگر در ارتباط باشند؛ ارتباط با مدارس اطراف نیز یکی از برنامه‌های مستمر حوزه علمیه خواهران سیدالشهداست.»

ظرفیت حوزه‌های علمیه برای

فعالیت‌های بین‌المللی بسیار بالاست

مدیر مدرسه علمیه خواهران سیدالشهدا می‌گوید: «اگر امکانات و بودجه نامحدود داشتیم، این طرح‌ها را در سطح استان، کشور و حتی جهان اسلام توسعه می‌دادیم. ظرفیت حوزه‌های علمیه برای فعالیت‌های بین‌المللی بسیار بالاست؛ همانند فعالیت‌هایی که حجت‌الاسلام کمال فقیه‌ایمانی انجام داد و "تفسیر نمونه" را به زبان‌های زنده دنیا ترجمه و به کشورهای اسلامی ارسال کرد. شناسایی و پرورش استعدادهاى طلاب از دیگر اولویت‌های حوزه است.» او بیان می‌کند: «برنامه‌های مختلفی به طلاب ارائه و در جریان

پایش می‌گوید: «نیروهای فرهنگی ما در آموزش و پرورش فعال هستند و با طرح‌هایی مانند "طرح امین" در مناسبت‌های مختلف دانش‌آموزان را با فعالیت‌های حوزه‌های علمیه آشنا می‌کنند و دانش‌آموخته‌های حوزه برای دبیری وارد آموزش و پرورش می‌شوند؛ همچنین حوزه علمیه طرح‌هایی برای ارتقای دبیران و کادر مدارس تهیه کرده و به آموزش و پرورش ارائه می‌دهد.» نقش خانواده طلاب نیز برای حوزه‌های علمیه بسیار حیاتی است. او تأکید می‌کند: «خانواده طلاب، به‌ویژه همسران و والدین، پشتیبان اصلی



زهره سادات طالقانی



مریم نقیان

خدمت‌رسانی رضوی در دل اصفهان

از اطعام محرومان تا درمان نیازمندان؛ داستان یک همت جهادی در محله خواجه عمید



در میان هیاهوی زندگی شهری و چالش‌های معیشتی، گاه در گوشه‌وکنار شهر، نورهای کوچکی از مهر و انسانیت می‌درخشند که جهان اطراف خود را گرمابخش هستند. کانون خدمت رضوی محله خواجه عمید، یکی از این گوهرهای درخشان است که نه با ادعا که با عمل و عشق به خاندان اهل بیت (ع)، به‌ویژه امام هشتم، فصل جدیدی از همدلی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در محله خود روایت می‌کند. این گزارش، روایتی است از تلاش بی‌وقفه گروهی از داوطلبان گمنامی که با محوریت فرهنگ رضوی، دست نیازمندان را می‌گیرند و بار غم را از دوش محرومان برمی‌دارند.

هدف ما خدمت‌رسانی به محرومان و نیازمندان است

حمیدرضا دافعیان، مسئول کانون خدمت رضوی محله خواجه عمید که از روز اول تأسیس، مسئولیت این کانون را بر عهده داشته، در توضیح انگیزه شکل‌گیری آن گفت: با توجه به تأکید آستان قدس رضوی بر تشکیل کانون‌های خدمت رضوی در شهرستان‌ها و محله‌ها، ما به همراه جمعی از دوستان خادم‌یار که از سال ۹۷ در حوزه‌های مختلف خادم‌یاری فعالیت داشتیم، تصمیم گرفتیم کانونی در این محدوده تأسیس کنیم. این محله ظرفیت خوبی داشت و احساس نیاز می‌کردیم.

او هدف اصلی را این‌گونه بیان کرد: هدف ما خدمت‌رسانی به محرومان و نیازمندان و ترویج فرهنگ رضوی در راستای خدمات امام‌رضایی بود. ما خود را واسطه‌ای برای رساندن لطف و کرامت آقا امام رضا (ع) به مردم می‌دانیم.

فعالیت‌های این کانون بسیار گسترده و متنوع است و تقریباً تمامی جنبه‌های نیاز یک خانواده محروم را پوشش می‌دهد. بسته‌های معیشتی، ویزیت دندان پزشکی رایگان، پخت و توزیع غذاهای گرم و برگزاری موبک‌های پذیرایی در ایام خاصی مانند دهه کرامت و اربعین.

در امور فرهنگی و مذهبی به برگزاری مراسم‌ها در مناسبت‌های مذهبی مختلف از جمله ایام شهادت امام رضا (ع) و اربعین

حسینی پرداختیم.

در رابطه با عقیقه و قربانی هم اجرای برنامه‌ای منظم در اولین روز هرامه قمری، با مشارکت خیران برای ذبح گوسفند و مرغ، بسته‌بندی گوشت و توزیع آن به خانواده‌های تحت پوشش داریم.

در حوزه تحصیل به شناسایی دانش‌آموزان بی‌بضاعت و تهیه بسته‌های لوازم‌التحریر برای آنان با کمک خیران پرداختیم.

خدمات توانمندسازی و حمایتی کانون شامل ارائه خدمات به «توان‌خواهان» (افراد دارای معلولیت، سالمندان و بیماران)، این خدمات شامل انجام خرید، تعمیرات وسایل منزل، نظافت و حتی همراهی برای امور اداری است.

خدمات درمانی و سلامت نیز شامل برگزاری میزهای خدمت در حوزه‌های مشاوره، سلامت، بهداشت و حقوق می‌شود. یک نمونه برجسته، هماهنگی برای ارائه خدمات دندان پزشکی رایگان یا با تخفیف ویژه برای کودکان و افراد نیازمند بود که به‌صورت رایگان درمان شدند.

فاصله تا آرمان‌های بزرگ‌تر

رافعیان بزرگ‌ترین چالش پیش روی

کانون را «میزان مشارکت عمومی» دانست و توضیح داد: چالش‌های مختلفی داریم؛ اما اصلی‌ترین آن، این است که هرچه مشارکت خیران و عاشقان حضرت، چه در حوزه مادی و چه معنوی (همراهی و همدلی) بیشتر باشد، می‌توانیم خدمت‌رسانی بهتری داشته باشیم. اگر امروز به چهل خانواده خدمت می‌کنیم، با حمایت بیشتر می‌توانیم این عدد را به پنجاه یا بیشتر برسانیم و کیفیت خدمات را نیز ارتقا دهیم.

او به مسئله «شناخته‌نشدن» کانون‌های خدمت رضوی در بین مردم اشاره کرد و افزود: این طرح از سال ۹۷-۹۶ کلید خورده و طبیعتاً در این هفت‌هشت سال، هنوز خیلی‌ها با ظرفیت و خدمات این کانون‌ها آشنا نیستند. نیاز به اطلاع‌رسانی و معرفی بیشتر داریم تا مردم بدانند می‌توانند از این مسیر مطمئن و تحت نظارت آستان قدس، به نیازمندان واقعی کمک کنند.

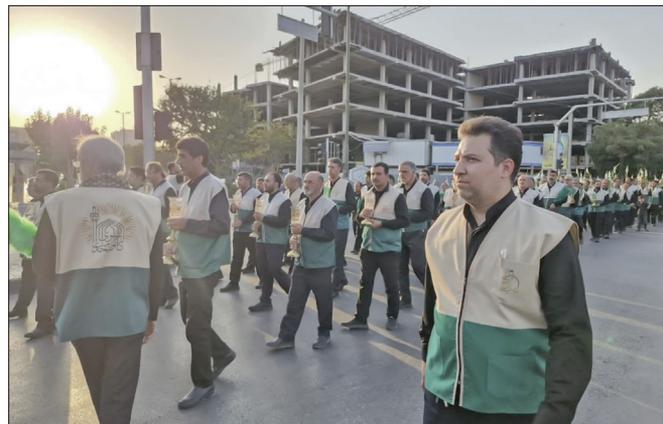
یک دعوت همگانی برای همکاری

کانون خدمت رضوی محله خواجه عمید در مدت‌زمان کوتاه فعالیت خود، ثابت کرده که عزمی راسخ و قلبی به وسعت

آسمان برای خدمت دارد. این کانون، تنها یک مجموعه خیریه نیست؛ بلکه مدرسه‌ای است که در آن درس ایثار، محبت و مسئولیت‌پذیری در قبال هم‌نوع آموزش داده می‌شود. فعالیت‌های متنوع و همه‌جانبه آن، از یک بسته معیشتی ساده تا یک ویزیت تخصصی دندان پزشکی، گواه نگاه عمیق و جامع مؤسسان آن به مقوله محرومیت‌زدایی است.

آینده این کانون، در گرو مشارکت و همیاری هرچه بیشتر مردم نجیب و خیر مشهد است. همان‌گونه که حمیدرضا دافعیان اشاره کرد، «شناسایی» این ظرفیت عظیم خدمت‌رسانی، کلید گسترش دایره کمک‌هاست.

بی‌تردید، با حمایت بیشتر نهادهای مربوط و اطلاع‌رسانی گسترده‌تر، این کانون می‌تواند به سنگری امن و قابل‌اتکا برای بسیاری از خانواده‌های نیازمند منطقه تبدیل شود و شعله فرهنگ رضوی را در جای‌جای محله بیش‌ازپیش روشن نگاه دارد. داستان خواجه عمید، داستان همت بلند مردمی است که باتکیه بر عشق امام رضا (ع) نوشته می‌شود و پایانی برای آن متصور نیست.





زهره سادات طالقانی

هم نفسی بانسل امروز

گفت‌وگو با زهره سادات میرلوح، مسئول پایگاه بسیج خواهران مسجد سیدالشهدا

ما باور داریم که نسل امروز تنها نیازمند آموزش نیست؛ او خود حامل خلاقیت و راهکارهای تازه است. اگر به او میدان دهیم، با ایده‌هایش آینده را خواهد ساخت.

آفتی روشن، فردایی امیدبخش

یکی از اهداف پایگاه بسیج خواهران مسجد سیدالشهدا محله خواجه عمید، تجهیز محیط به ابزارهای نوین دیجیتال و فناوری‌های جذاب است تا نوجوانان در فضایی هم‌سو با روحیاتشان حضور یابند.

پرچم‌دار فرهنگ و هویت

پایگاه بسیج مسجد سیدالشهدا تنها یک پایگاه نیست؛ مکانی است برای تربیت و پیوند. اینجا جایی است که در کنار خنده‌ها، یاد شهدا نیز زنده می‌ماند. یادواره‌ها، جلسات بصیرتی و نوجوانان را با فرهنگ ایثار و شهادت آشنا می‌کند و آنان را آماده می‌سازد تا در برابر جنگ نرم دشمن نیز ایستادگی کنند، همه دست به دست هم می‌دهند تا نوجوان بدانند ریشه‌اش کجاست و هویتش بر چه خاکی استوار است.

«ما می‌خواهیم آموزش و شادی کنار هم باشد؛ این جمله میرلوح است؛ جمله‌ای ساده و در عین حال عمیق؛ چراکه او خوب می‌داند نسل امروز، اگر تنها درس بشنود، زود خسته می‌شود. او نیاز دارد بدود، بخندد، نقاشی بکشد و آواز امید سر دهد؛ درست همان‌گونه که در پایگاه تجربه می‌کند.

مسئول پایگاه بسیج خواهران مسجد سیدالشهدا در پایان با لحنی پر از امید می‌گوید: تمام اقتدار و شکوه فردای این سرزمین، در دستان همین نوجوانان است، اقتدار و پیشرفت این کشور بر دوش همین نسل نوجوان و جوان است. آنان با فکر، مهارت و خلاقیتشان، آینده‌سازان فردای ایران خواهند بود. وظیفه ماست که همراهشان باشیم، صدایشان را بشنویم و دست در دستشان، مسیر رشد و افتخار را هموار کنیم. صدای او، گرمای یک مادر و صلابت یک مربی دلسوز را توأمان دارد؛ گویی به همه ما یادآوری می‌کند که فردای ایران، در گرو همین نوجوانان و جوانانی است که امروز در حیاط مسجد سیدالشهدا می‌خندند، می‌آموزند و قد می‌کشند و افتخارآفرینی می‌کنند.



حتی بازی‌های بومی محلی است که نوجوانان و جوانان را به خود جذب کرده تا همه کنار هم یاد بگیرند، هم بخندند، هم رشد کنند.

میرلوح با اطمینان می‌گوید: ما می‌خواهیم پایگاه خانه دوم نوجوان باشد؛ جایی که نوجوان هم درس زندگی بگیرد، هم مهارت بیاموزد و هم از ته دل بخندد. این ترکیب آموزش و نشاط است که او را به پایگاه گره می‌زند.

برای بزرگسالان نیز کلاس‌های تفسیر و ترجمه قرآن در قالب طرح «بشا» برگزار می‌شود؛ طرحی که با استقبال اهالی محله همراه شده و در پایان با آزمون و تقدیر، انگیزه‌ای تازه به شرکت‌کنندگان می‌دهد.

میرلوح ادامه می‌دهد: تمام این برنامه‌ها تلاش دارد نشاط و آموزش را کنار هم قرار دهد؛ روحیه‌ای که نوجوان نیازمند آن است. از کلاس‌های نقاشی و آشپزی گرفته تا والیبال و ژیمناستیک، همه در کنار آموزش‌های دینی و فرهنگی پیش می‌رود؛ همه چیز در این پایگاه جریان دارد. ورزش و هنر در کنار آموزش‌های دینی و فرهنگی پیش می‌رود تا نوجوان با تمام وجود حس کند که اینجا جایی برای رشد همه‌جانبه اوست.

مسئول پایگاه بسیج خواهران مسجد سیدالشهدا تأکید می‌کند: ایده‌های خود نوجوانان در طراحی برنامه‌ها لحاظ می‌شود.

متفاوت آغاز شد. در آستانه ماه محرم، کارگروهی متشکل از مربیان، طلاب، مشاوران و فعالان فرهنگی شکل گرفت. نخستین گام، فراخوانی با عنوان «خدمتیاران حسینی» بود؛ جوانان و نوجوانانی که با اشتیاق فرم‌ها را پر کردند تا خدمتی در مسیر امام حسین (ع) داشته باشند. پس از یک جلسه معارفه، تقسیم وظایف شد و نوجوانان پای در میدان خدمت گذاشتند.

دهه اول محرم، فرصتی برای تجربه و همدلی بود و پس از آن، اردوهای برنامه‌های فرهنگی، بازی و سرگرمی تدارک دیده شد. پایان‌بخش این اردوها، تقدیر از نوجوانان با یادبودهایی بود که نه تنها هدیه‌ای مادی، بلکه نشانی از دیده‌شدن و ارزشمندی آنان به شمار می‌آمد.

این حرکت به محرم محدود نمانده و اکنون جلسات منظم برای تدوین برنامه‌های سالانه آغاز شده است. برنامه‌هایی که دنیایی متنوع از آموزش، سرگرمی و پرورش را در خود جای داده است.

از مهرماه، جلسات منظم برای تدوین برنامه‌های سالانه آغاز می‌شود. برنامه‌های این پایگاه شامل کلاس‌های قرآنی، حلقه‌های صالحین، آموزش حفظ قرآن، اجرای سرود، جلسات مشاوره، کارگاه‌های سواد رسانه، فعالیت‌های ورزشی و

پایگاه بسیج خواهران مسجد سیدالشهدا به پایگاهی برای تپش امید و زندگی نوجوانان در محله خواجه عمید تبدیل شده است. اینجا خانه‌ای است که در آن دل‌های جوان و نوجوان، آرام می‌گیرند و آرزوهای بزرگ قد می‌کشند.

زهره سادات میرلوح، مسئول پایگاه بسیج خواهران مسجد سیدالشهدا محله خواجه عمید، از دغدغه‌های سخن می‌گوید که این روزها ذهن بسیاری از فعالان فرهنگی را درگیر کرده است؛ دغدغه‌ای به نام «نوجوان امروز». او از نسلی سخن می‌گوید که آینده ایران را در دست دارد؛ نسلی که تفاوت‌هایش با گذشته آشکار است، نسلی که به گفته او، با نسل‌های پیشین تفاوتی چشمگیر دارد؛ نسلی آشنا با دنیای فناوری، با ذهنی پرسرعت و دلی پرهیجان، اما در عین حال نیازمند هدایت، هم‌صحبتی و هم‌راهی.

میرلوح می‌گوید: اگر نتوانیم زبان دل نوجوان را بفهمیم، اگر واژه‌ها و اصطلاحات او را نشناسیم و هم‌پای او به‌روز نشویم، حرفی برای گفتن نخواهیم داشت. تمام تلاش ما در پایگاه این است که خود را به سطح نوجوان برسانیم و در کنار او قدم برداریم.

شروعی از دل محرم

فعالیت گروهی از نوجوانان با یک تجربه



کانونی برای نسل سالم و صالح

گفت‌وگو با مجید ناصری، مسئول کانون فرهنگی، هنری شیفتگان حضرت امام خمینی (ره)

در همه روزهای هفته در سانس‌های مختلف برای نوجوانان و جوانان اجرا می‌شود، گفت: سعی بر آن شده است که روزانه کلاس‌هایی با مضمون‌های متفاوت، مفید و متناسب با سن نوجوانان برایشان برگزار شود.

برگزاری کلاس‌های ورزشی در کانون

ناصری بیان کرد: همچنین در کنار کلاس‌های آموزشی برای بچه‌ها، کلاس‌هایی را برای آگاهی والدین در خصوص تربیت فرزندان و رفع مشکلاتشان با عنوان جلسه آموزش خانواده به صورت هفتگی برگزار می‌کنیم. او با بیان اینکه جلسه معرفتی به صورت هفتگی برای دانش‌آموزان در مقاطع مختلف تحصیلی برگزار می‌شود، اظهار کرد: همچنین کارگاه آموزشی مقدماتی حوزه برای علاقه‌مندان برگزار می‌شود که راهگشای بسیاری از مشکلات نوجوانان این کلاس‌ها در بزرگسالی به حوزه‌های علمی و عملی وارد می‌شوند.

مسئول کانون فرهنگی هنری شیفتگان حضرت امام خمینی افزود: در زمینه ورزش نیز به علاقه‌مندی نوجوانان توجه نشان داده می‌شود و زنگ ورزش برای ایشان در نظر گرفته‌ایم که اغلب در رشته ورزشی فوتبال ثبت نام می‌کنند و در مدرسه آیت‌الله طالقانی تحت نظر بهترین مربیان آموزش می‌بینند.



ورزشی، برنامه‌های اردویی، مراسم‌ها و مناسبت‌های مذهبی و ملی و هیئت ماهانه‌ای است که تکمیل‌کننده فعالیت‌های این کانون شده است. از محاسن بسیار خوب این مجموعه ارتباط صمیمی و دوستانه مربیان هر پایه با گروه‌های مجموعه است؛ همچنین مشاور و کارشناس فرهنگی، حجت‌الاسلام عباسی که ارتباط صمیمانه‌ای با دوستان دارند و گره‌گشای بسیاری از مشکلات نوجوانان و جوانان هستند.

مسئول کانون فرهنگی هنری شیفتگان حضرت امام خمینی با بیان اینکه برنامه‌های کانون به صورت مرتب و منظم طبق برنامه‌ریزی دقیق

تحصیلی ۹، ۸، ۷ و ۱۰ مشغول فعالیت است و سیر تربیتی مشخصی در حال آموزش و اجراء است. ناصری عنوان کرد: در تکمیل برنامه‌های کانون، ارتباط مستمر و مؤثر با خانواده‌ها را در نظر گرفته‌ایم که در این راستا برنامه‌های آموزش خانواده، مشاوره‌های تربیتی و تعاملات سازنده با خانواده‌ها برای رشد هرچه بهتر نوجوانان و جوانان در حال انجام است.

ارتباط دوستانه مربیان و نوجوانان در کانون امام خمینی (ره)

او افزود: در بخش فوق برنامه نیز فعالیت‌های

مجید ناصری متولد سال ۱۳۵۱ و دانش‌آموخته حوزه علمیه، مسئول کانون فرهنگی، هنری شیفتگان حضرت امام خمینی (ره) و از اهالی محله خواجه عمید است.

او با بیان اینکه کانون فرهنگی هنری شیفتگان حضرت امام خمینی (رحمت‌الله علیه) با سابقه حداقل سه دهه در راستای تربیت نسل جوان و نوجوان کوشیده است، گفت: این کانون نقش بسزایی در تحویل نسل سالم و صالح به جامعه در عرصه‌های مختلف داشته و اغلب بچه‌های کانون امام جذب حوزه‌های علمی و دانشگاه‌های مختلف در سطح کشور شده‌اند و مشغول کار و فعالیت و خدمت به جامعه هستند.

سیر تربیتی مشخصی در کانون امام خمینی (ره) در حال اجراء است

ناصری با بیان اینکه برخی از افراد نسل گذشته کانون امام، اکنون در مسئولیت‌های مهمی در شهر اصفهان نقش ایفا می‌کنند، اذعان کرد: شهید فروتن، از فعالان کانون امام خمینی، تلاش زیادی در این کانون داشت که امروز به یاری خدایمهربان زحمات این شهید بزرگوار به عینه قابل رؤیت است.

مسئول کانون فرهنگی هنری شیفتگان حضرت امام خمینی (ره) ادامه داد: این کانون امروزه هم در ادامه تلاش‌های شبانه‌روزی دوستان و حمایت روح بلند شهید عزیز، فروتن، در چهارپایه

شور دختران خادم‌الحسین (ع) در مسجد حضرت ولیعصر (عج)

مسئول کانون خواهران مسجد حضرت ولیعصر (عج) از فعالیت این کانون می‌گوید

صمیمیت و دوستی در بین اعضای کانون خواهران

مسئول کانون خواهران مسجد حضرت ولیعصر (عج)، ضمن بیان اینکه به علت احساس نیاز در محله به چنین کانونی که مختص بانوان باشد به راه‌اندازی آن همت گماشته‌ام، اظهار کرد: در چند سالی که به عنوان مسئول کانون در مسجد حضرت ولیعصر در حال خدمت هستم، همواره کوشیده‌ام در کنار دیگر دوستان و دست‌اندرکاران کانون را در بهترین حالت برای آموزش و تربیت دختران نگه‌دارم و برای رسیدن به این هدف مهم در عرصه‌های مختلف فرهنگی، هنری، ورزشی و تفریحی از خود دختران و متخصصان در این حوزه‌ها کمک گرفته و سعی کرده‌ام که همه کلاس‌های ما در بالاترین کیفیت برگزار شود. به یاری خدا این مهم صورت پذیرفته و خود دختران هم به صورت خودکار و خودجوش هر کدام، هر هنر و دانشی که دارند، در اختیار هم‌سالان خود قرار می‌دهند و محیطی بسیار گرم، صمیمی و دوستانه بین اعضای کانون خواهران برقرار است.



انجام امور فرهنگی با یکدیگر همکاری و همدلی دارند و برای برگزاری مناسبت‌های مختلف، مانند اعیاد غدیر و نیمه شعبان و همچنین مراسم عزاداری مذهبی، به خصوص دهه محرم بسیار فعال هستند. او در ادامه افزود: در انجام امور خیریه مثل بسته‌بندی غذا و هدایا دختران کانون فعالیت ویژه دارند و در هیئت بزرگ خادم‌الحسین (ع) فعالیت می‌کنند. برنامه‌های این هیئت شامل خدمت‌رسانی به عزاداران حسینی می‌شود؛ به طوری که ما در این هیئت برای مادری که می‌خواهند در مراسم عزاداری با امنیت خاطر شرکت کنند، مهدکودک داریم و اعصابه خوبی از بچه‌هایشان مراقبت می‌کنند؛ تا زمانی که مراسم پایان یابد.

می‌بریم. مسئول کانون خواهران مسجد حضرت ولیعصر (عج) از برگزاری کلاس‌های مشاوره برای مادران در کانون خبر داد و افزود: ما به صورت هفتگی کارگاه مشاور خانواده برای مادران برپا می‌کنیم که در آن مادران مشکلات خود در ارتباط با رفتار با فرزندانشان را بیان و راهکار متناسب را از مشاور کانون دریافت می‌کنند و در خصوص مباحث مختلف به صورت دوره‌ای روی موضوعات مختلف بحث و تبادل نظر صورت می‌گیرد.

برپایی مهدکودک در هیئت

خادم‌الحسین برای کمک به مادران داوودی عنوان کرد: اعضای کانون خواهران در

مرضیه سادات داوودی، متولد سال ۱۳۶۷، دارای مدرک کارشناسی مدیریت صنعتی، مسئول کانون خواهران مسجد حضرت ولیعصر (عج) واقع در محله خواجه عمید است. این بانوی جوان سال‌های متوالی است که در راستای برگزاری کلاس‌های هنری، فرهنگی و آموزشی برای بانوان گام برمی‌دارد.

برگزاری جلسات مشاوره هفتگی برای مادران در کانون

او در خصوص فعالیت‌های کانون خواهران مسجد حضرت ولیعصر گفت: این کانون یک دوره‌ی دخترانه است که در سه زمان فعالیت می‌کند. داوودی با بیان اینکه کلاس‌های کانون برای دختران ده تا پانزده ساله برگزار می‌شود، اذعان کرد: در زمان اول کارهای مهارتی مانند گلدوزی، روبان‌دوزی، آشپزی، شیرینی‌پزی و برخی هنرهایی که با دست انجام می‌شوند، آموزش داده می‌شود؛ در زمان دوم کلاس‌های آموزشی تربیتی داریم که برای برگزاری آن از بهترین مشاوران یاری می‌گیریم و در زمان سوم، کلاس بازی و ورزش داریم که به صورت هفتگی دختران را در رشته‌های مختلف ورزشی مانند تنیس، فوتبال دستی، والیبال و... به باشگاه



اکرم کیانی

سرمه دوزی هنر ظرافت‌هاست

گفت‌وگو با طیبه مجیری، هنرمند تزیینات لباس

برای یادگیری این هنر بسیار افزایش پیدا کرده و کسی که می‌خواهد این هنر را بیاموزد باید توانایی مالی برای پرداختن هزینه‌ها را داشته باشد. جوانان علاقه‌مند می‌توانند برای یادگیری این حرفه از کلاس‌های آموزشی فرهنگ‌سراها با هزینه کمتر و کانون‌های خدمت‌رضوی استفاده کنند. خودم خادم‌یار هستم و در این کانون‌ها به هنرجویان آموزش می‌دهم. علاقه‌مندان به یادگیری این هنر می‌توانند در کلاس‌های فنی و حرفه‌ای شرکت کنند که ایده‌های بیشتری به هنرجویان ارائه می‌دهند. مجیری عنوان می‌کند: تهیه مواد اولیه سرمه‌دوزی هزینه زیادی دارد؛ اما تهیه نخ‌های ابریشم گل‌دوزی و مواد اولیه شماره‌دوزی مناسب‌تر بوده و وسیله‌های کمتری می‌خواهد؛ به همین دلیل بسیاری از هنرجویان به یادگیری این هنرها روی می‌آورند. برای اینکه یک هنرمند در این حرفه بتواند موفق شود نیازمند برخورداری از مهارت‌هایی مانند همت و پشتکار زیاد، دقت، صبر و حوصله زیاد، علاقه و استعداد است. او تصریح می‌کند: هنرمند تزیینات لباس و دوخت‌های تزیینی باید سعی کند برای جذب رضایت خریداران کار با کیفیت و بدون ایرادی را به آن‌ها تحویل دهد. جوانانی که علاقه‌مند به یادگیری هنر تزیینات لباس هستند باید بدانند بهتر است از همان ابتدای دوران چهار سال تحصیل متوسطه وارد شاخه‌های متفاوت هنری در رشته‌های هنرستانی شوند و در رشته‌ای که علاقه دارند مشغول به تحصیل و آموزش هنر شوند. هنرمند تزیینات لباس و دوخت‌های تزیینی تأکید می‌کند: دست‌آوردان این هنر بعد از تحصیل در هنرستان و کسب آموزش‌های لازم بعد از گرفتن دیپلم هزینه‌های زیادی برای آموزش این هنر پرداخت نمی‌کنند. بعد از هنرستان هم می‌توانند ادامه تحصیل داده و در همان رشته‌های هنری در دانشگاه درس بخوانند یا بعد از اخذ دیپلم هنرستانی می‌توانند وارد آموزشگاه‌ها برای یادگیری بیشتر این هنر شوند و به طور عملی تکنیک‌های جدید این حرفه را بیاموزند.



«هنرمند تزیینات لباس و دوخت‌های تزیینی باید سعی کند برای جذب رضایت خریداران کار با کیفیت و بدون ایرادی را به آن‌ها تحویل دهد؛ این‌ها را طیبه مجیری متولد ۱۳۶۵ و از هنرمندان رشته تزیینات لباس و دوخت‌های تزیینی از اهالی محله خواجه‌عمید می‌گوید. او این رشته را در هنرستان آموخته و بعد از اخذ مدرک دیپلم برای کسب آموزش‌های بیشتر وارد آموزشگاه فنی و حرفه‌ای شده و از سرمه‌دوزی کارش را شروع کرده و دوره‌های سنتی را گذرانده است. او بعد از آن، دوره‌های پیشرفته را در این حرفه گذرانده و آیه‌دوزی و دوختن آیه را روی پارچه را به خوبی یاد گرفته است.

شروع کار هنری با سرمه‌دوزی

او در مورد اینکه از کودکی به یادگیری هنر علاقه‌مند بوده و خانواده مشوق او در این زمینه بوده‌اند به «هم‌محله» می‌گوید: از زمان کودکی کارهای هنری را دوست داشتم و هر سال سه ماه تابستان قلاب‌بافی می‌کردم. خانواده‌ام در این زمینه بسیار تشویق‌کننده و بعد از گرفتن مدرک دیپلم از هنرستان به‌طور جدی وارد این حرفه شدم. دوست داشتم این رشته را در دانشگاه هم ادامه بدهم؛ اما این رشته هنری در دانشگاه وجود نداشت.

هنرمند تزیینات لباس و دوخت‌های تزیینی تصریح می‌کند: از سال ۱۳۸۹ برای گذراندن دوره‌ها و یادگیری بیشتر هنر وارد آموزشگاه فنی و حرفه‌ای شدم. از سرمه‌دوزی کارم را شروع کردم و قاب‌هایی را سرمه‌دوزی کردم. همچنین کارهای جواهرات را شروع کردم و دوخت‌های درباری اشرافی و منجوق‌بافی هم انجام می‌دادم. در آموزشگاه علاوه بر اینکه آموزش می‌دیدم، سفارش‌هایی را از مشتریان قبول می‌کردم؛ به دلیل اینکه کارهایی که تولید داشتم بسیار خوب و باکیفیت بودند.

او خاطرنشان می‌کند: در کنار این هنرها گل‌دوزی برزیلی و شماره‌دوزی را هم یاد گرفتم. منجوق‌بافی و طرح‌های گل‌برجسته

و ساختن و دست‌بندهای منجوق‌باف را هم آموختم. پنج سال قبل در بعضی از نمایشگاه‌ها مانند نمایشگاه خیمه‌شدهای بسیج، آثار هنری‌ام را به نمایش گذاشتم و در کانالی هم در فضای مجازی نمونه آثار تولیدی بنده در این حرفه برای بازدید علاقه‌مندان وجود دارد.

دوران کرونا طرح‌ها را در فضای مجازی می‌دیدم

مجیری عنوان می‌کند: در دوران کرونا برای آموزش به آموزشگاه نمی‌رفتم و بیشتر در فضای مجازی جست‌وجو می‌کردم و روش‌های تولید دست‌بند منجوق‌باف را یاد می‌گرفتم. معمولاً طرح‌ها را در فضای مجازی می‌دیدم و خودم با ابتکار به انجام کار منجوق‌دوزی مشغول می‌شدم؛ یعنی اگر طرحی را در فضای مجازی مشاهده می‌کردم به‌سرعت می‌فهمیدم که روش دوخت این طرح چگونه است و سریع کار را پیاده می‌کردم. او اضافه می‌کند: در دوران کرونا طرح‌های منجوق‌دوزی را در فضای مجازی دیدم و پیشنهاد ساخت دستگاه را به نجار و کارفرما دادم تا دستگاه را برای بنده بسازد و بعد از ساخت دستگاه در دوران کرونا خودم در منزل با کمک همان دستگاه شروع به دوخت‌های تزیینی، منجوق‌دوزی و تولید آثار هنری کردم. بنده سال‌ها در زمینه هنر

دغدغه‌های یادگیری هنر تزیینات لباس

و دوخت‌های تزیینی او در مورد سختی‌ها و دغدغه‌های یادگیری این هنر اظهار می‌کند: در حال حاضر هزینه‌ها





اکرم کیانی

مشاور باید گوش باشد و خوب بشنود

گفت‌وگو با زهره آخوند مکه‌ای، مشاور و استاد دانشگاه فرهنگیان



دانشگاه شدم و به دلیل اینکه فاصله ورود به دانشگاه بعد از دیپلم طولانی شده بود، تا اندازه‌ای درس را فراموش کرده بودم. در دانشگاه دکتر سید احمد احمدی و دکتر یوسفی از استادان خوب این رشته بنده را برای درس خواندن بسیار تشویق کردند تا بتوانم در این رشته موفق شوم؛ خانواده و همسر هم در طول دوران تحصیل با بنده همکاری کردند تا بتوانم این دوران را پشت سر بگذارم.»

مشاور و استاد دانشگاه فرهنگیان درباره مهارت‌های یک مشاور خوب برای ارائه مشاوره بهینه به مردم می‌گوید: «مشاور خوب باید گوش خوبی برای شنیدن داشته باشد. همان‌طور که در قرآن کریم درباره پیامبر (ص) آمده است که پیامبر وقتی بین مردم می‌نشست و صحبت‌های مردم را گوش می‌داد، بیشتر کفار می‌گفتند تنها گوش می‌دهد و صحبت نمی‌کند و در اینجا قرآن می‌فرماید: "این گوش بودن برای شما خیلی مهم است؛ یعنی پیامبر (ص) با تمام وجود به حرف‌های مردم گوش می‌دادند. به نظرم یک مشاور خوب باید قدرت شنیدن خیلی خوبی داشته و درباره مراجعه‌کننده‌های خودش قضاوت‌های ناجور نداشته باشد و مراجعه‌کننده را از زندگی کردن ناامید کند و بتواند با او رابطه همدلانه برقرار کند.» او خاطرنشان می‌کند: «به خصوص در دعوای خانوادگی می‌بینیم افرادی که مراجعه دارند، اعتقادات و افکار متفاوت با مشاور دارند. مشاور باید سعی کند با این گروه از مراجعه‌کننده‌ها نیز همدلانه ارتباط برقرار کند و دلسوز باشد و بتواند خودش را به جای مراجعه‌کننده بگذارد. باید اطلاعات خوب و به‌روز داشته و دانسته‌های او با جامعه فعلی سنخیت فرهنگی داشته باشد.»

آخوند مکه‌ای عنوان می‌کند: «در حال حاضر بعضی از مشاوران را می‌بینیم که می‌خواهند بدون کم‌وکاست نسخه‌های غربی را برای مراجعه‌کننده‌ها پیاده کنند. باید یک مشاور بدانند در چه فرهنگی زندگی می‌کند و نسخه‌هایی که می‌پیچد سنخیت فرهنگی با جامعه امروز داشته باشد.»

این بانوی موفق محله خواجه عمید بر مهارت صحبت‌کردن و مؤثر بودن سخنان یک مشاور تأکید می‌کند و می‌گوید: «مشاور باید روی شخصیت خود کار کند و خودش را آراسته و آرازی داشته باشد تا بتواند به مراجعه‌کننده برای حل مسائل، مشاوره خوبی ارائه دهد.»

برای دانشجویان رشته مشاوره درباره صحبت‌های مقام معظم رهبری است که فرمودند: "در علوم انسانی ما نباید تنها وام‌دار منابع غربی باشیم؛ به دلیل اینکه در علوم انسانی ما خودمان منابع بسیار غنی داریم." تاحد امکان سعی می‌کنم از منابع روایی و احادیث برای دانشجویان بآتوجه به رشته تحصیلی‌ام صحبت کنم و معمولا برای دانشجویان مثال‌های این‌گونه جهت تدریس دارم.»

آخوند مکه‌ای تأکید می‌کند: «جوانان علاقه‌مند به تحصیل در این رشته باید بدانند که رشته مشاوره، بسیار حساس است و همه افراد نمی‌توانند وارد این رشته شوند. به نظرم، باید افرادی وارد این رشته شوند که دلسوز مردم بوده و آن‌ها را دوست داشته باشند. تنها به خاطر به‌دست آوردن مادیات و پول وارد این رشته نشوند. رشته مشاوره یک حرفه خدمت‌رسانی است و باید افراد باسوادی وارد فعالیت در این حرفه شوند. در شرایط فعلی منابعی که در دانشگاه برای تدریس رشته مشاوره تدریس وجود دارد متون خارجی بوده که ترجمه می‌شود.»

او به آشنایی‌اش با بانو امین و علوم اسلامی از زمان کودکی اشاره و اضافه می‌کند: «توصیه‌ام به جوانان این است که برای تحصیل در این رشته حتما در این زمینه‌ها مطالعه داشته باشند. از زمان کودکی به رشته مشاوره بسیار علاقه‌مند بودم و بعد از اینکه مدرک دیپلم را گرفتم، به دلیل انقلاب فرهنگی دانشگاه‌ها تعطیل شدند. آن موقع دو فرزند داشتم که برای تحصیل وارد

مقاله‌هایش اظهار می‌کند: «در حال حاضر مشغول تنظیم یک کتاب برای چاپ هستم؛ قبلا هم مقاله‌هایی را تألیف کردم. به مدت هفت سال در دانشگاه صنعتی اصفهان در مرکز مشاوره و ۱۰ سال هم در دانشگاه اصفهان در مرکز مشاوره توفیق خدمت داشتم.» این استاد دانشگاه که فعالیت زیادی هم دارد، مقاله‌های مختلفی در خصوص شیوه‌های تشویق نوجوانان و جوانان به نمازجماعت با آیات و احادیث، افسردگی و روش‌های ایجاد نجات از بیماری افسردگی، وسواس و آسیب‌شناسی اجتماعی در نهج‌البلاغه، حکمت‌های نهج‌البلاغه و حوزه‌های قرآنی تألیف کرده است.»

مشاور و استاد دانشگاه فرهنگیان بیان می‌کند: «در محله خواجه عمید بیشتر فعالیت‌های مذهبی و سخنرانی در هیئت‌ها را برعهده دارم و اهالی محله خواجه عمید بنده را بیشتر به‌عنوان یک سخنران مذهبی می‌شناسند؛ برای مثال، در حال حاضر در محله خواجه عمید در مجتمع امام حسین (ع) یک برنامه قرآن هفتگی (ختم قرآن) برای سلامتی آقا امام‌زمان (عج) در روزهای دوشنبه انجام می‌شود.»

استفاده از منابع روایی و احادیث برای تدریس دانشجویان

او به جوانان علاقه‌مند به تحصیل در رشته مشاور و روان‌شناسی برای موفقیت بیشتر توصیه می‌کند: «در دانشگاه فرهنگیان عمده صحبت‌هایم

مشاور خوب باید گوش خوبی برای شنیدن، مهارت صحبت‌کردن، دلسوز و مؤثر باشد و مسائل اجتماعی روزانه و مشاوره را با سنخیت فرهنگی جامعه ارائه دهد.

زهره آخوند مکه‌ای متولد ۱۳۴۱ دارای مدرک کارشناسی‌ارشد رشته مشاوره خانواده و عضو هیئت‌علمی دانشگاه فرهنگیان است. او مدرک کارشناسی را از دانشگاه اصفهان اخذ کرده و دوره کارشناسی‌ارشد را در دانشگاه تربیت‌معلم تهران (در حال حاضر به دانشگاه خوارزمی معروف شده) گذرانده است. آخوند مکه‌ای در دانشگاه‌ها در بخش مشاوره فعال است و برای دانشجویان مشاوره و آموزش و پرورش خدمت می‌کنند، روان‌شناسی تدریس می‌کند.

سابقه ۲۸ سال مشاوره در دانشگاه فرهنگیان و تألیف مقاله‌ها

این مدرس پردیس فاطمه‌زهررا(س) درباره سابقه فعالیتش در دانشگاه فرهنگیان به «هم‌محله» می‌گوید: «تقریبا ۲۸ سالی می‌شود که در دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان مشاور و استاد دانشگاه مشغول فعالیت هستم و سابقه ۳۵ سال فعالیت هم در آموزش و پرورش دارم. به لطف خداوند در رشته علوم حوزوی تحصیل کردم. ابتدا در ۱۳۷۷ برای تدریس به دانشجویان وارد مرکز تربیت‌معلم شدم و در ۱۳۹۰ این مرکز به دانشگاه فرهنگیان تبدیل شد.»

مشاور و استاد دانشگاه فرهنگیان در خصوص موفقیت‌های علمی و تألیف



زهره فندھاری

دفع آب‌های سطحی اراضی کوره معک

محمد صیرفی نژاد، مدیر منطقه ۱۰ شهرداری، از اقدام‌های انجام‌شده در محله خواجه عمید و منطقه ۱۰ می‌گوید

افزود: توسعه و گسترش فضاهای سبز شهری از جمله برنامه‌های مهم و اولویت‌های مدیریت شهری است؛ از این‌رو نگهداری در کنار کاشت و توسعه باید در برنامه اصلی حوزه فضای سبز مورد توجه جدی قرار گیرد. او با تأکید بر توسعه فضای سبز و احداث پارک‌های تفرجگاهی، ترویج فرهنگ گیاه‌پروری و جلب مشارکت‌های مردمی در راستای افزایش سرانه فضای سبز و حفظ و حراست از محیط زیست، تأکید کرد: این‌گونه اقدام‌ها از اهم فعالیت‌های شهرداری در این حوزه است. صیرفی نژاد گفت: یکی از ضرورت‌های مدیریت آگاهانه فضای سبز شهری، با توجه به پایین بودن سرانه فضای سبز در این منطقه، داشتن اطلاعات روزآمد و ارزیابی صحیحی از وضعیت کمی و کیفی شرایط موجود است؛ بنابراین برای رفع مشکلات و آماده‌سازی وضعیت موجود محیط زیست برای اهداف مطلوب، بازنده‌سازی پارک‌ها و ارتقای کیفیت محیط یکی از ضرورت‌ها برای رسیدن به آینده‌ای مطلوب است.

پارکینگ طبقاتی محله مصلی؛ گامی مؤثر در کاهش بار ترافیکی منطقه

مدیر منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان با اشاره به اجرای پروژه پارکینگ طبقاتی در محله مصلی، این طرح را یکی از مهم‌ترین اقدام‌های مدیریت شهری در راستای سامان‌دهی ترافیکی این محله پرتدد عنوان کرد و گفت: در سال‌های اخیر، افزایش حجم خودروها و کمبود فضای پارک خودرو در محله مصلی باعث بروز مشکلات متعددی برای ساکنان، کسبه و مراجعه‌کنندگان به این محدوده شده بود که به همین دلیل، احداث پارکینگ طبقاتی استاندارد و مجهز در دستور کار شهرداری منطقه ۱۰ قرار گرفت. صیرفی نژاد افزود: پروژه پارکینگ طبقاتی مصلی با زیربنایی بالغ بر یک هزار مترمربع و در پنج طبقه طراحی شده که پس از بهره‌برداری، ظرفیت پارک ۲۰۰ خودرو را فراهم خواهد کرد که برای اجرای این طرح، اعتباری بیش از ۱۰ میلیارد تومان در نظر گرفته شده که از منابع شهرداری تأمین می‌شود. او با تأکید بر نقش این پروژه در کاهش بار ترافیکی منطقه تصریح کرد: با بهره‌برداری از این پارکینگ، نه تنها مشکل کمبود فضای پارک در محله مصلی به میزان قابل‌توجهی کاهش می‌یابد؛ بلکه از توقف دوبله و پارک‌های غیرمجاز در حاشیه خیابان‌ها جلوگیری شده و در نهایت، گره‌های ترافیکی موجود در این محدوده برطرف خواهد شد.



با توجه به موقعیت استراتژیک و قرارگرفتن در یکی از مسیرهای پر تردد شهر، می‌تواند نقشی اساسی در ارتقای منظر شهری، بهبود محیط زیست و تقویت هویت تاریخی اصفهان ایفا کند. صیرفی نژاد با بیان اینکه نگاه مدیریت شهری به این پروژه تنها نگاه عمرانی نیست، تصریح کرد: احیای مادی‌ها در واقع احیای بخشی از زندگی شهری اصفهان است که در این پروژه تلاش خواهیم کرد تا ضمن بازآفرینی بستر طبیعی مادی و تأمین جریان آب، مسیرهای دسترسی ایمن، فضای سبز پیرامونی و فضاهای عمومی مناسب برای حضور شهروندان نیز طراحی و پیش‌بینی شود. او با اشاره به نقش این طرح در ارتقای کیفیت زندگی شهروندان خاطرنشان کرد: مادی‌ها می‌توانند علاوه بر کارکرد زیست‌محیطی، به ایجاد فضایی دلنشین و آرامش‌بخش برای شهروندان کمک کنند و تصور ما این است که با احیای این مسیر، هم به کاهش آلودگی‌های محیطی و افزایش سرانه فضای سبز شهر می‌شود و هم یک مسیر طبیعی و فرهنگی به شهر افزوده خواهد شد. صیرفی نژاد گفت: مدیریت شهری منطقه ۱۰ بر این باور است که توسعه پایدار بدون توجه به هویت تاریخی و ارزش‌های محیطی شهر محقق نمی‌شود و به همین دلیل، پروژه احیای مادی کنارگذر اتوبان شهید آقابابایی می‌تواند الگویی ارزشمند برای سایر پروژه‌های مشابه باشد و امیدواریم با تکمیل طراحی و آغاز عملیات اجرایی، شاهد تحقق یکی از مطالبات مهم شهروندان و علاقه‌مندان به میراث طبیعی اصفهان باشیم. او از آغاز عملیات سامان‌دهی و بهسازی فضای سبز مجاور مسجد ۱۴ معصوم در این منطقه با اعتباری بالغ بر هفت میلیارد ریال خبر داد. مدیر منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان با بیان اینکه اگر می‌خواهیم شهری زیبا و سرزنده داشته باشیم، باید به فضای سبز آن توجه کنیم،

از دانش فنی و رعایت استانداردهای روز انجام می‌شود که خوشبختانه با هم‌افزایی و همکاری معاونت‌های فنی و عمرانی شهرداری و همچنین مشارکت پیمانکاران توانمند، روند اجرای عملیات رضایت‌بخش بوده است. صیرفی نژاد ضمن قدردانی از صبوری شهروندان در طول مدت اجرای عملیات عمرانی گفت: اجرای چنین پروژه‌های بزرگی ناگزیر با محدودیت‌های ترافیکی و ایجاد مزاحمت‌های موقت برای ساکنان همراه است؛ اما مطمئن هستیم که نتایج این طرح در آینده رضایت عمومی را به همراه خواهد داشت و هدف ما کاهش مشکلات زیست‌محیطی، افزایش ایمنی معابر و ایجاد آرامش خاطر برای مردم است. او خاطرنشان کرد: مدیریت شهری منطقه ۱۰ در مسیر توسعه پایدار شهری حرکت می‌کند و تلاش داریم با اجرای پروژه‌های مؤثر و زیرساختی، شهروندان را در عمل شاهد تغییر و بهبود شرایط زندگی بدانیم و طرح دفع آب‌های سطحی اراضی کوره معک تنها یکی از این اقدام‌هاست که با تکمیل آن گام بزرگی در مسیر ارتقای زیرساخت‌های شهری برداشته خواهد شد. او از آغاز مطالعات و طراحی پروژه احیای مادی کنارگذر اتوبان شهید آقابابایی خبر داد و گفت: اصفهان همواره به‌عنوان شهری با هویت تاریخی و فرهنگی غنی شناخته می‌شود که بخش مهمی از این هویت به وجود مادی‌ها و شبکه سنتی آب‌رسانی آن بازمی‌گردد. مادی‌ها در طول قرون گذشته نه تنها کارکردی حیاتی در تأمین آب داشته‌اند؛ بلکه در شکل‌گیری هویت اجتماعی، فرهنگی و حتی کالبدی شهر نقش ویژه‌ای ایفا کرده‌اند و امروز احیای این ظرفیت‌ها در دستور کار مدیریت شهری قرار دارد. او افزود: در همین راستا، یکی از پروژه‌های مهمی که هم‌اکنون در دست طراحی است، احیای مادی کنارگذر اتوبان شهید آقابابایی است که این مادی

منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان با مساحت حدود ۲۲۰۰ هکتار، از شمال به میدان لاله در امتداد اتوبان چمران تا حصه، از جنوب به محله بوزان در امتداد خیابان جی تا میدان احمدآباد، از شرق به حصه، جوهران و بوزان تا خیابان جی و از غرب به میدان احمدآباد در امتداد خیابان سروش تا میدان قدس در امتداد خیابان لاله تا میدان لاله محدود می‌شود. این منطقه دارای ۱۷ محله به نام‌های پروین اعتصامی، دشتستان، عسگریه، مصلی، سروستان، شیخ طوسی، خواجه عمید، ملاصدرا، عطار نیشابوری، هفتون، لاله، فجر، اطشاران، جوهران، گرکان، حصه جنوبی و کوی نرگس است. در این گزارش اقدام‌های انجام‌شده در منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان به روایت محمد صیرفی نژاد، مدیر منطقه بیان شده است. مدیر منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان با اشاره به اجرای پروژه بزرگ دفع آب‌های سطحی اراضی کوره معک، این طرح را یکی از پروژه‌های زیربنایی و اساسی مدیریت شهری در حوزه خدمات شهری و عمران دانست و اظهار کرد: با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی منطقه ۱۰ و وجود معابر و محله‌هایی که در هنگام بارندگی‌های فصلی همواره با مشکلات ناشی از آب‌گرفتگی و جمع‌شدن رواناب‌ها مواجه بودند، اجرای سیستم دفع آب‌های سطحی در دستور کار شهرداری قرار گرفت که این پروژه با اعتباری بالغ بر ۱۱۵ میلیارد ریال آغاز شده و تاکنون به پیشرفت فیزیکی ۴۵ درصدی رسیده است. صیرفی نژاد افزود: هدف اصلی این پروژه، ایجاد بستری ایمن و مطمئن برای هدایت آب‌های سطحی و جلوگیری از خسارت‌های احتمالی به شهروندان و زیرساخت‌های شهری است که خوشبختانه با اجرای این طرح، بخش عمده‌ای از مشکلات قدیمی محله‌های پیرامون اراضی کوره معک رفع خواهد شد و شاهد ارتقای کیفیت زندگی شهروندان خواهیم بود. او با تأکید بر اهمیت نگاه زیرساختی در مدیریت شهری تصریح کرد: اجرای شبکه جمع‌آوری و دفع آب‌های سطحی نه تنها یک اقدام خدماتی، بلکه اقدامی پیشگیرانه و آینده‌نگرانه است که اگر امروز در این زمینه سرمایه‌گذاری کنیم، در سال‌های آینده از تحمیل هزینه‌های بسیار سنگین ناشی از خسارت‌های احتمالی جلوگیری خواهد شد که این پروژه به‌عنوان یکی از اولویت‌های منطقه ۱۰ با جدیت در حال پیگیری است و تلاش می‌کنیم در زمان‌بندی پیش‌بینی‌شده به بهره‌برداری برسیم. مدیر منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان افزود: تمامی مراحل طراحی و اجرای این پروژه با بهره‌گیری





زهره قندهاری

تدابیر شهرداری برای حفظ درختان کهن سال

پاسخ‌های محمد صیرفی نژاد، مدیر منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان، به مطالبه‌های ساکنان محله خواجه عمید



محله خواجه عمید با جمعیتی بالغ بر ۱۵ هزار و ۲۲۷ نفر و مساحتی در حدود ۱۵۱،۷۶۳ مترمربع، یکی از محله‌های پرجمعیت منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان به شمار می‌رود. این محله با برخورداری از ۷۸،۱۴۴ مترمربع فضای سبز، سرانه‌ای معادل ۴۷/۹ مترمربع برای هر شهروند فراهم کرده است که نشان‌دهنده توجه مدیریت شهری به توسعه فضاهای تفریحی و زیست‌محیطی در این محدوده است. نبود بافت فرسوده نکته قابل توجه در این محله است که شرایط مناسبی را برای زندگی شهروندان فراهم آورده؛ اما با این حال برخی مسائل و نیازهای محله همچنان وجود دارد که در نشست‌ها و بازدیدهای میدانی به همت محمد صیرفی نژاد، مدیر منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان مطرح و برای رفع آن‌ها برنامه‌ریزی شده است. در محله خواجه عمید معضلاتی وجود دارد که از سوی ساکنان روایت شده است و محمد صیرفی نژاد، مدیر منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان به آن‌ها پاسخ می‌دهد.

به گفته شهروندان نابسامانی خطوط اتوبوس در محله بسیار مشهود است و اتوبوس دیربه‌دیر حرکت می‌کند. آیا برای افزایش تعداد دستگاه اتوبوس در این محدوده تدبیری دارید؟

از خیابان خواجه عمید، خط ۵۲ اتوبوس‌رانی عبور می‌کند و بر اساس بازدید میدانی انجام شده، سرفاصله حرکت اتوبوس‌ها در این مسیر حدود ۱۵ تا ۲۰ دقیقه است. موضوع افزایش تعداد ناوگان و بهبود زمان بندی حرکت‌ها در اختیار سازمان اتوبوس‌رانی است. با این حال، به دنبال درخواست‌های مکرر شهروندان، این موضوع طی مکاتبه رسمی از سوی منطقه ۱۰ به سازمان مذکور اعلام و پیگیری شده است. امیدواریم با هماهنگی‌های در حال انجام، شاهد بهبود وضعیت سرویس دهی در آینده نزدیک باشیم؛ همچنین شهروندان گرامی می‌توانند از طریق سامانه «اصفهان من» (my.isfahan.ir) به صورت آنلاین از زمان دقیق رسیدن اتوبوس‌ها به ایستگاه‌های

بنیاد شهید ادامه دهیم تا از این مکان فرهنگی معنوی هرچه سریع‌تر به صورت کامل بهره‌برداری شود.

اخیراً قطع درختان کهن سال و خشک شدن درختان و فضای سبز موضوعی است که در محله دیده می‌شود و شهروندان نسبت به این موضوع معترض هستند. پاسخ شما در این خصوص چیست؟

درختان کهن سال سرمایه‌های طبیعی منطقه هستند و حفظ آن‌ها برای ما اهمیت ویژه‌ای دارد که متأسفانه در ماه‌های اخیر به دلیل خشک شدن سه حلقه چاه در جنوب شرق منطقه و کاهش دبی چهار حلقه چاه دیگر، تأمین کامل آب مورد نیاز فضای سبز با محدودیت مواجه شده است. این موضوع همراه با افزایش شاخص تابش فرابنفش (UV)، گرمایش شهری و برخی آلودگی‌های زیست‌محیطی باعث خشک شدن بخشی از گونه‌های حساس به کم‌آبی و بروز آفات در درختان شده؛ اما با این حال، شهرداری منطقه ۱۰ در حال اجرای برنامه‌های جایگزین

مختلف مطلع شوند و بر اساس آن، برنامه‌ریزی دقیق‌تری برای استفاده از حمل‌ونقل عمومی داشته باشند.

ناتمام ماندن مقبره شهدای گمنام یکی دیگر از معضله‌هایی است که شهروندان روایت کرده‌اند. هرچند که این موضوع به شهرداری مربوط نمی‌شود؛ آیا برای تکمیل این مجموعه به ارگان بنیاد شهید و امور ایثارگران استان اصفهان کمک می‌کنید؟

هرچند تکمیل مقبره مطهر شهدای گمنام در حیطة وظایف بنیاد شهید و امور ایثارگران قرار دارد و ردیف بودجه‌ای مشخصی نیز برای این موضوع در شهرداری تعریف نشده است؛ اما ما در منطقه ۱۰ فراتر از وظایف قانونی خود، مساعدت‌هایی را برای تکمیل این مجموعه انجام داده‌ایم و اعتقاد داریم که خدمت به یادگاران شهدا وظیفه‌ای معنوی است. در همین راستا نیز آمادگی داریم در چارچوب امکانات و ظرفیت‌های موجود، همکاری لازم را با

برای کاهش این اثرات است؛ از جمله تنوع بخشی به گونه‌های گیاهی مقاوم‌تر به کم‌آبی، استفاده از روش‌های نوین آبیاری، پیگیری برای تأمین پایدار منابع آبی و مقابله با آفات و قطع درختان صرفاً در مواردی انجام می‌شود که به دلیل خشک شدن کامل یا ابتلا به آفات، خطر سقوط و تهدید ایمنی شهروندان وجود داشته باشد. هدف ما این است که هم درختان کهن سال موجود حفظ شوند و هم با کاشت گونه‌های مقاوم جدید، فضای سبز منطقه پایدار بماند.

نداشتن فرهنگ سراسر معضل دیگری است که شهروندان به آن اشاره کرده‌اند. آیا برای احداث چنین مجموعه‌ای در این محدوده اقدامی در دستور کار دارید؟

در حال حاضر نزدیک‌ترین مجموعه فرهنگی به محله خواجه عمید، خانه فرهنگ دشتستان است که علاوه بر آن، کانون‌های فرهنگی مردمی و پایگاه‌های بسیج، به‌ویژه کانون فرهنگی مسجد سیدالشهدا (ع)، همواره در اجرای برنامه‌های اجتماعی و





اقدام‌های نصب تابلوهای هشداردهنده، سرعت‌گیرهای ایمن و اصلاح مسیرهای پرترد در محدوده مدارس هستند. هدف ما این است که ضمن حفظ ایمنی شهروندان و دانش‌آموزان، کمترین مخاطره در تردد روزمره ایجاد و محیطی امن برای شهروندان فراهم شود.

این محدوده به یک پل عابر پیاده نیاز دارد. آیا اقدامی مبنی بر این موضوع در دستور کار دارید؟

با توجه به طبقه‌بندی خیابان‌ها طبق آیین‌نامه طراحی معابر شهری، خیابان خواجه‌عمید در دسته خیابان‌های جمع و پخش‌کننده قرار دارد و نصب پل عابر پیاده در این دسته از خیابان‌ها معمولاً توصیه نمی‌شود؛ اما با این حال، شهرداری منطقه ۱۰ برای تأمین امنیت تردد شهروندان و به‌ویژه دانش‌آموزان از راهکارهای جایگزین استفاده خواهد کرد. به همین منظور و با آغاز عملیات اجرایی ستاد مهر، اقدام‌های ویژه‌ای در این خیابان، به‌ویژه در محدوده مدارس انجام خواهد شد؛ از جمله نصب سرعت‌گیر، تابلوها و علائم هشداردهنده و خطکشی عابر پیاده. هدف ما ایجاد محیطی امن برای عبور و مرور دانش‌آموزان و تمامی شهروندان است. امیدواریم با اجرای این اقدام‌ها، شاهد کاهش خطرات و افزایش ایمنی شهروندان در محله خواجه‌عمید باشیم.

پاسخ شما چیست؟

تردد خودروهای سنگین و ماشین‌آلات ساختمانی در پروژه‌های در حال اجرا، امری اجتناب‌ناپذیر است؛ اما شهرداری منطقه ۱۰ همواره در تلاش است تا اثرات این تردد بر زندگی روزمره شهروندان را به حداقل برساند و در این راستا با هماهنگی پلیس راهور، مقرر شده که از ورود خودروهای سنگین و ماشین‌آلات فاقد مجوز و همچنین معاینه فنی یا با وضعیت دودزا به محدوده محله جلوگیری شود. هدف ما این است که ضمن ادامه پروژه‌های عمرانی و ساختمانی، آرامش و امنیت ساکنان محله نیز حفظ شود و شهروندان کمترین مزاحمت را تجربه کنند.

شعب نامناسبی که در محله خواجه‌عمید وجود دارد مانع دید خودروهای سواری می‌شود. در این راستا تردد دانش‌آموزان خطرآفرین است. برای رفع این معضل چه اقدامی در دستور کار دارید؟

شعب نامناسب برخی معابر محله خواجه‌عمید به دلیل توپوگرافی طبیعی منطقه باعث محدود شدن دید رانندگان و افزایش ریسک تردد، به‌ویژه برای دانش‌آموزان شده است که شهرداری منطقه ۱۰ با آگاهی از این موضوع، اقدام‌های پیشگیرانه‌ای را در دستور کار خود قرار داده است. از جمله این

امن، مبلمان شهری مناسب، وسایل بازی استاندارد و فضاهای تفریحی ویژه این گروه‌ها در محله‌ها، به‌ویژه خواجه‌عمید در حال پیگیری و اجراست که هدف ما ایجاد محیطی امن، راحت و دلنشین برای تمامی شهروندان است تا کودکان و سالمندان بتوانند از فضاهای شهری به بهترین شکل بهره‌مند شوند.

برای رفع معضل آسفالت نامناسب کف معابر و کوچه‌ها اقدامی در دستور کار دارید؟

یکی از اولویت‌های مهم شهرداری منطقه ۱۰، بهبود کیفیت آسفالت معابر و کوچه‌های سطح این منطقه است. در بودجه سال ۱۴۰۴، مبلغ ۳۶۵ میلیارد ریال برای اجرای پروژه‌های آسفالت معابر اصلی و فرعی پیش‌بینی شده و تاکنون ۳۰۰ میلیارد ریال از این اعتبار تأمین و قراردادهای مرتبط منعقد شده است؛ همچنین عملیات آسفالت به تناسب نیاز در محله‌های مختلف از جمله خواجه‌عمید، در حال اجراست. هدف ما این است که تمامی معابر را با کیفیت مناسب و استانداردهای لازم بازسازی کنیم تا شهروندان در ترددهای روزانه خود با کمترین مشکل مواجه شوند.

خودروهای سنگین و ماشین‌های مجتمع در حال ساخت نیروی انتظامی برای اهالی محل مزاحمت ایجاد کرده است. برای رفع این معضل

فرهنگی فعال بوده‌اند و شهرداری منطقه ۱۰ نیز در قالب حمایت‌های مالی و معنوی، همکاری مستمری با این مجموعه‌ها داشته است. با توجه به اینکه امکان احداث فرهنگ‌سرا در تمامی محله‌ها وجود ندارد، رویکرد مدیریت شهری، تقویت و توانمندسازی کانون‌های فرهنگی مردمی است تا این پایگاه‌ها بتوانند نقش فرهنگ‌سراهای محلی را ایفا کنند و خوشبختانه در محله خواجه‌عمید نیز این تعامل و همکاری نتایج مثبتی داشته و با جلب رضایت فعالان فرهنگی، زمینه برگزاری برنامه‌های مشارکتی و متنوع برای شهروندان فراهم شده است.

عدم تجهیز فضای شهری در این محله برای کهن‌سالان و کودکان معضل دیگری است. پاسخ شما برای رفع آن چیست؟

بهبود و تجهیز فضای شهری برای سالمندان و کودکان از اولویت‌های شهرداری منطقه ۱۰ است. هرچند بخشی از مسئولیت فضاسازی شهری بر عهده کمیته‌های شهروندی محلات قرار دارد، شهرداری و اداره فرهنگی منطقه در مناسبت‌ها و برنامه‌های ویژه تلاش کرده‌اند اقدام‌های موقت و حمایتی انجام دهند. در عین حال، مناسب‌سازی شهری برای کودکان و سالمندان در دستور کار دائمی شهرداری قرار دارد و برنامه‌ریزی برای ایجاد مسیرهای

لزوم تعویض کف پوش‌های قدیمی سالن ورزشی محله

حسن زین‌العابدین معضل‌های ورزش در محله خواجه‌عمید را روایت می‌کند



دلارام فنداری



پگاه، یک سالن رزمی در خانه فرهنگ پگاه در دسترس است. همچنین سالن ورزشی زیتون در نزدیکی این محله خدمات ارائه می‌دهد.

مسئول سالن ورزشی شهید حاج علی لبسنگی گفت: تشکیل جلسات مردمی با حضور مسئولان و ورزشکاران محلی می‌تواند باعث تسریع در ساخت و بهره‌برداری از فضاهای ورزشی در منطقه شود. زین‌العابدین جلب حمایت خیران برای اجرای پروژه‌های ورزشی را از عوامل مهم برای تقویت فضاهای ورزشی در منطقه دانست و افزود: با توجه به محدودیت منابع دولتی، مشارکت خیران یا بخش خصوصی می‌تواند به تکمیل پروژه‌ها کمک کند.

محترم منطقه برای ارائه تعدادی کف‌پوش جهت تعویض کف‌پوش‌های قدیمی برای این مجموعه ورزشی وارد عمل شوند؛ چراکه این موضوع در ارتقا، کیفیت، زیبایی و خدمات بهتر به مراجعه‌کنندگان اثرات خوبی خواهد داشت.

زین‌العابدین ادامه داد: گل‌آرایی ابتدای ورودی مجموعه ورزشی می‌تواند به نشاط و شادابی ورزشکاران کمک کند. در این راستا از شهردار محترم منطقه تقاضا می‌شود در این خصوص اقدام‌های لازم را در دستور کار قرار دهند. او اظهار کرد: ساکنان اعتراض دارند که در برخی محله‌های منطقه ۱۰، مانند مصلی، سالن‌های ورزشی اختصاصی بزرگ وجود ندارد. با این حال در بوستان

برای سنین مختلف، داشتن مربیان خوب و بااخلاق و رعایت انصاف در دریافت وجه از مراجعه‌کنندگان با توجه به هزینه‌های زیاد از عناصر اصلی یک مجموعه ورزشی مطلوب است.

زین‌العابدین خاطرنشان کرد: جوانان ما در ایران و در هر منطقه از شهر خود باید بدانند که ورزش نه تنها سلامتی و شادابی به همراه دارد؛ بلکه می‌تواند بزرگ‌منشی را در ادامه زندگی به بار بیاورد. جوانان اگر در هر مقطع از زندگی بتوانند ورزش را در اولویت زندگی خود قرار دهند جایگاهی مطلوب پیدا خواهند کرد که برای پیشرفت خود و خانواده و جامعه اثر نجات‌بخش خواهد بود. این پیشکسوت ورزشی گفت: شهردار

حسن زین‌العابدین متولد سال ۱۳۴۱ و یک پیشکسوت ورزشی است. او در حال حاضر مسئول سالن ورزشی شهید حاج علی لبسنگی خواجه‌عمید و یکی از مجموعه‌های ورزشی در سپاهان‌شهر است. او در گفت‌وگو با «هم‌محله» گفت: مجموعه ورزشی شهید حاج علی لبسنگی خواجه‌عمید دارای یک سالن فوتبال و یک سالن رزمی است. این مجموعه با حدود هیجده سال سابقه کاری زیر نظر هیئت امنای مسجد سیدالشهدا (ع) بوده و علاوه بر برنامه‌های ورزشی، مسابقات فرهنگی و اجتماعی خوبی در آن برگزار می‌شود.

مسئول سالن ورزشی شهید حاج علی لبسنگی افزود: تنوع رشته‌های ورزشی



زهره قندهاری

چم و خم خواجه عمید

گزارشی از اقدام‌های اجرایی انجام‌شده در منطقه ۱۰ و معضل‌های محله خواجه عمید

محله خواجه عمید با جمعیتی بالغ بر ۱۵ هزار و ۲۲۷ نفر و مساحتی در حدود ۱،۱۵۱،۷۶۳ مترمربع، یکی از محله‌های پرجمعیت منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان به شمار می‌رود. این محله با برخورداری از ۷۸،۱۴۴ مترمربع فضای سبز، سرانه‌ای معادل ۴۷/۹ مترمربع برای هر شهروند فراهم کرده است. نبود بافت فرسوده نکته قابل توجه در این محله است. در این صفحه معضل‌های محله خواجه عمید و اقدام‌های انجام‌شده در منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان به صورت اینفوگرافی روایت شده است.

اقدام‌های انجام‌شده در منطقه ۱۰



معضل‌های محله خواجه عمید



مدیر فنی و گرافیک: علیرضا مظاهری
طراح و صفحه‌آرا: علی نصرآزادانی
دبیر تحریریه ویژه: زهره سادات کاظمی
تحریریه زهره قندهاری، منیره فهامی، مهناز احمدی، دلارام قندهاری
مریم نقیان، زینب دبیری، زهره سادات طالقانی و اکرم کیانی
ویراستار: سارا حفیظی و عدرا دبیانی

صاحب امتیاز: شرکت فرهنگ، هنری و مطبوعاتی پیام اصفهان زیبا
مدیرمسئول: دکتر علی قاسم‌زاده
مدیرعامل: احسان تیموری سیجانی
سردبیر: محمد حسین اعترازیان
دبیر ویژه: نامه محسن حیدری فرد
عکس: حمید نیکومرام و کوثر رحیمی

اصفهان زیبا
همراه



برای دیدن تصاویر بیشتر
بارکد را اسکن کنید